

پیام سنديگا

پیام سنديگا

پیام آور سنديگاهاي کارگری ایران

حاصل اتحاد تاريخی کارگران سنديگایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۶۷ / سال هفتم / اردیبهشت ماه ۹۷ / نشریه سنديگاهاي کارگری ایران



روز جهانی کارگر گرامی باد!



سنديگای کارگران
نقاش و تزئينات
تاسيس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه‌های



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری
ایران کاری از کارگران سندیکایی
ایران، بر اساس منشور جهانی
سندیکاهای کارگری در راستای
تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر
۱۳۹۰/ چاپ تهران
(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۲۰

یاد تو می ماند... ص ۳۶

«اعتراض به فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری WFTU» ص ۳۷

استیضاح وزیر کار ص ۴۰

فعالیت سندیکا در مورد پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران ص ۴۱

چه زمانی روز جهانی کارگر برای کارگران ایران به رسمیت شناخته شد؟ ص ۴۳

در اول ماه مه سال ۱۸۸۶ شیکاگو چه گذشت؟ ص ۴۴

با سلام و دورد به تمامی کوشندگان طبقه کارگر! ص ۴۶

درود به کارگران سرزمین ص ۴۷

من یک کارگرم! ص ۴۸

به آموزگاران میهنم! ص ۴۹

روز معلم بر همه آموزگاران میهنم خجسته باد! ص ۵۰

سندیکالیسم؛ ضرورت و اولویت تاریخی ص ۵۲

بیرمای بایرامین مبارک اولسون ص ۵۴

«دعوت نامه» ص ۵۷

چه غم انگیز خواهد بود ص ۵۹

کارگران" ص ۵۹

تلخ و شیرین های گازیم عاشقی ص ۶۱

روز کارگر ص ۶۳

واگوبه های وارثان ص ۶۴

پیکرها بر خاک ، آرمان ها بر باست! ص ۶۵

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

روز کارگر روز همبستگی زحمتکشان، شادباش!

از برگزاری نخستین روزکارگر به ابتکار اتحادیه های کارگری تا به امروز، ۹۶ سال می گذرد. از سال ۱۳۰۱ تاکنون کارگران هر ساله با برگزاری جشن اول ماه مه نشان داده اند که هیچ قدرتی نتوانسته است این حق را از کارگران سلب کند.

اما پس از گذشت ۹۶ سال هنوز هم کارگران برای داشتن سندیکاهای کارگری می رزمند. هنوز در کشور ما ۸ ساعت کار قانونی که بتوان با آن زندگی در خور و شایسته ی انسان داشت، به واقعیت تبدیل نشده است و اندوخته های کارگران در تامین اجتماعی با مصوبه غیرقانونی مجلس به تاراج می رود. دستمزدهای کارگران به بازیچه ای در دست کارفرمایان سودجو قرار گرفته و هر زمان که دلشان خواست پس از ۶ ماه شاید پرداخت کنند. (شاید عرق کارگران بعد از ۶ ماه خشک می شود)

لشگر ۳/۵ میلیونی بیکاران همچنان برادران و خواهران شاغلشان را تهدید کرده و دستمزدها را نازل و نازل تر می کند. عدم بازرسی از کارخانه ها توسط وزارت کار به یک امر فراموش شده تبدیل شده تا کارگران بیشتری هر روز به طمع سودجویی کارفرمایان، کشته شوند.

امسال در حالی که پیشواز اول ماه مه می رویم که ۴۰ سال از نبردمان علیه ظلم و بی عدالتی می گذرد. انقلابی که به دست پرتوان کارگران و زحمتکشان به پیروزی رسید، و قرار بود به دست کارگران بوسه زده شود، به شلاق بسته شدنشان ختم شد. گرسنگی ۳۳ درصد جامعه را تهدید می کند و دستمزدهای مصوب هنوز با خط فقر ۴ برابر فاصله دارند. در این میان هر روزه به کودکان کار افزوده می شود، کارتن خوابی به امری رایج بدل گشته است و زنان کارگر بی حقوق تر از همیشه مورد آزار جسمی و روحی قرار می گیرند. ۹۶ درصد از کارگران کشور قرارداد موقت اند و ۴۵ میلیون نفر در کشور امنیت شغلی ندارند. کوشندگان کارگری به زندان می روند، بیکار می شوند، تهدید و اخراج می گردند. پس از ۴۰ سال روزگار زحمتکشان و مزد بگیران بدین گونه شده است.

امروزه داشتن سندیکاهای کارگری و فعالیت بی دغدغه آنان، امنیت شغلی، و دستمزد مناسب و به موقع، به سه گانه خواست کارگران ایران تبدیل شده است. خواستی که هر کدام بدون دیگر در معرض نابودی قرار خواهد گرفت.

خواهران و برادران زحمتکش!

برای دفاع از حقوق کارگری و رونق بخشیدن به سفرهایمان، جز اتحاد و همدلی و ایثار راه دیگری نداریم. یا باید به قوانین صندوق بین المللی پول که توسط دولت و کارفرمایان بخش خصوصی به مورد اجرا گذاشته شده است، گردن نهاده و برده شویم و فرزندانمان را برای بردگان فردا آماده کنیم و یا اینکه دست در دست هم برای آبادانی این خانه ویران گشته، هم صدا شویم.

دوستان کارگر، در محل کارمان اگر می توانیم سندیکاهای کارگری ایجاد کنیم و یا اینکه به سندیکاهای موجود بپیوندیم. با کوشندگان کارگری ارتباط گرفته با برنامه ریزی از سقوط هر روزه دستمزدهایمان و خالی شدن سفرهایمان جلوگیری کنیم.

باید بهم بپیوندیم تا راهی بیابیم و یا راهی بسازیم. همت و اراده و تصمیم با ماست.

کارگر متفرق هیچ چیز، کارگر متحد همه چیز.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روزی نمادین برای اتحاد و مبارزه مشترک کارگران در سراسر جهان علیه سرمایه داری است. صد و سی و دو سال پیش صدها هزار کارگر در سراسر آمریکا برای انسانی تر کردن شرایط طاقت فرسای کار و برقراری هشت ساعت کار روزانه، دست از کار کشیدند. تظاهرات کارگران شیکاگو که از شرکت کنندگان مهم این جنبش بودند در یک ماه مه با سرکوب خشن و خونین پلیس مدافع سرمایه داری روبرو شد. به رغم دستگیری و اعدام رهبران و کارگران مبارز، جنبش اعتراضی کارگری با رشادت ادامه یافت و از آن پس، یک ماه مه روز جهانی کارگر نامگذاری گردید. در کشور ما سال هاست وضع معیشت کارگران و مزدگیران به نسبت گذشته سقوط می کند؛ دستمزد چند برابر زیر خط فقر، پرداخت نشدن مزد کارگران برای ماه های متوالی، اخراج و بیکارسازی گسترده، فساد گسترده دستگاه های دولتی، پولی سازی آموزش در مدارس و دانشگاه ها، تورم افسار گسیخته و گرانی، سیاست های غلط زیست محیطی که زندگی در برخی از نقاط کشور را غیرممکن ساخته، بی توجهی به مطالبات بحق کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و غیره زندگی را برای کارگران و مزدگیران و اکثریت عظیم مردم غیر قابل تحمل کرده است. در این میان دارایی های کشور و سپرده های اندک مردم نزد مؤسسات مالی نیز غارت می شود و فریادرسی نیست.

خیزش گسترده مردم در دی ماه گذشته واکنشی طبیعی به فقر عمومی جامعه بود که هرچند با خشونت و زندان از شدت آن کاسته شده ولی همچنان در شهرهای مختلف ادامه دارد. تشکل یابی کارگران و مزدگیران و اتحاد سراسری در برابر ظلمی که به آنان تحمیل می شود تنها راه تغییر شرایط طاقت فرسای کنونی است.

ما امضاء کنندگان بیانیه مطالبات خود را به شرح زیر اعلام و برای دستیابی به آن مبارزه خواهیم کرد:

۱- تعیین حداقل مزد کارگران بالاتر از خط فقر، که میزان آن برای سال ۹۷ بیش از پنج میلیون تومان است.

۲- پرداخت بدون تاخیر حقوق کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و مجازات کسانی که عامل معوق شدن حقوق هستند.

۳- پرداخت مستمری بیکاری مکفی به تمام بیکاران جوینده کار.

۴- تعیین مستمری بازنشستگان حداقل به میزان پنج میلیون تومان در ماه، تامین بیمه های اجتماعی کامل و کارآمد، نظارت نمایندگان منتخب بازنشستگان بر صندوق های بازنشستگی و شرکت در مدیریت آنها.

۵- قراردادهای موقت و سفید امضای کار، فقدان امنیت شغلی و وجود شرکت های پیمانکاری و واسطه ای؛ حوادث، بیماری ها و سوانح مرگبار ناشی از فقدان ایمنی و بهداشت کار، به ویژه در بخش های ترابری، معادن و ساختمان سازی، همواره از معضلات و مشکلات توان فرسای کارگران در کشور بوده است. ما کارگران ضمن اعتراض به چنین وضعیت ناگواری، خواهان برچیده شدن قراردادهای موقت و سفید امضا، حذف شرکت های پیمانکاری و واسطه ای، قرار گرفتن کلیه کارگران شاغل از کارگاههای کوچک گرفته تا کارگران مناطق آزاد، تحت پوشش کامل قانون کار و اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی و در یک کلام پایان دادن به شرایط سخت و زجرآور کار در مراکز و محیط های کار و تولید هستیم.

۶- حق ایجاد سندیکاها و تشکلات مستقل برای کارگران .

۷- اخراج و تعقیب پلیسی - امنیتی - قضایی کارگران، معلمان و دیگر فعالان صنفی متوقف گردد و کارگران و معلمان زندانی بدون قیدشرط آزاد باید گردند.

۸- آزادی اعتصاب، راه پیمایی، اعتراض، گردهمایی، عقیده و بیان

۹- در شرایط تورم و گرانی روز افزون اعمال سیاست های اقتصادی مخالف عدالت اجتماعی معروف به سیاست های ریاضتی همچون رها سازی قیمت ها، تعدیل کارکنان و خصوصی سازی های منجر به اخراج کارگران و

مقررات زدایی حقوق کار و نابود سازی دستاوردهای چند ده ساله حقوق کارگری و تعرض ضدکارگری به قانون کار را محکوم کرده و خواهان پایان بخشی به این سیاست های اقتصادی ضدکارگری و ضدعدالت اجتماعی هستیم .

۱۰- اکثر بازنشستگان کارگری در شرایط وخیم اقتصادی و معیشتی روزگار می گذرانند و به لحاظ کمک های غذایی بهداشتی دچار کمبود های اساسی می باشند. ما ضمن اعتراض به این وضعیت اسفناک خواستار برخورداری همه بازنشستگان بویژه بازنشستگان حداقل بگیرازیک زندگی خوب و شایسته هستیم .

۱۱- ممنوعیت کار کودکان و نوجوانان.

۱۲- برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمام شئون زندگی از جمله برابری مزد زن و مرد برای کار یکسان.

۱۳- ما به همراه عموم کارگران ایران و جهان، سیاست های مداخله گرانه، جنگ افروزانه و تجاوزکارانه از جانب هر دولت متجاوززی را علیه مردم کشورها محکوم نموده و خواهان برقراری صلح، امنیت، رفاه و پیشرفت برای تمامی مردم ایران، منطقه و جهان هستیم.

۱۴- خواهان رفع هرگونه تبعیض و بی عدالتی نسبت به کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغان در ایران و نیز سایر کارگران مهاجر سراسر جهان میباشیم.

۱۵- اول ماه مه، روز جهانی کارگر باید تعطیل رسمی اعلام شده و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود. ما خواهان لغو هرگونه محدودیت در برگزاری مراسم این روز جهانی هستیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

بیانیه مشترک انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی به مناسبت روز جهانی کارگر

در آستانه روز جهانی کارگر، امروزه بر همه روشن شده است که فاصله میان دستمزدها و هزینه‌های زندگی حداقلی برای کارگران به دره عمیقی تبدیل شده است. سیاست‌گذاران و مجریان برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی در بخش دولتی و خصوصی، کمترین توجهی به شرایط زندگی اکثریت مطلق آحاد جامعه ندارند و تنها خود را متعهد به حفظ سودآوری سرمایه می‌دانند. در این شرایط، سیاست‌های خانمان برانداز اقتصادی چند دهه است که با شدت دنبال شده و اجرا می‌گردد اما این روند خصوصی‌سازی و حذف خدمات اجتماعی طی یک دهه گذشته با شدت وحدت بیشتری اجرایی گردیده که به فقر و فلاکت، بیکاری و سایر ناهنجاری‌های اجتماعی می‌انجامد.

کارگران بخش ساختمان به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین بخش‌های صنعتی کشور بنا به دلایل متعدد از این نا به سامانی‌های اقتصادی طی سال‌های گذشته بیشترین آسیب‌ها را متحمل شده‌اند. بیکارسازی‌های گسترده، رکود ساخت و ساز و ... که این شرایط باعث شده تا دست شرکت‌های ساختمانی و پیمانکاران خصوصی در تضییع حقوق کارگران و استادکاران بخش‌های مختلف کاملاً باز و شرایط دلخواه خود را بر زحمت‌کشان در این بخش از اقتصاد کشور تحمیل کنند. کارگران شاغل در بخش‌های مختلف ساختمانی، مانند کارگران در سایر بخش‌های اقتصادی کشور همچنان از دستمزدهایی نامتناسب با هزینه‌های زندگی برخوردار هستند اما آنچه که بیشترین لطمه را بر زندگی این بخش از کارگران کشور وارد می‌کند، عدم امنیت شغلی، عدم ایمنی محیط‌های کاری و پراکندگی جغرافیایی کارگران ساختمانی است.

از همین رو ما کارگران ساختمانی به عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین بخش‌های کارگری ضمن گرامی‌داشت روز جهانی کارگر و همصدا با سایر کارگران اعلام می‌داریم:

۱- تعیین حداقل دستمزد چندین برابری زیر خط فقر اعلام شده توسط نماینده کارفرمایان و دولت، ستمی آشکار بر زندگی میلیون‌ها مزد بگیر است.

۲- سهمیه‌بندی بیمه کارگران ساختمانی برخلاف ماده ۵ تامین اجتماعی هنوز وجود دارد و ما کارگران ساختمانی خواهان لغو سهمیه بیمه هستیم.

۳- الزام کارفرمایان به تامین امنیت محیط‌های کاری و تامین ابزارهای ایمنی برای کارگران شاغل در کارگاه‌های ساختمانی طبق ماده ۹۵ قانون کار

۴- تامین امنیت شغلی برای کارگران شاغل در کارگاه‌های ساختمانی، از طریق قراردادهای قانونی و پرداخت بیمه بیکاری در ایام رکود شغلی و بیکاری.

۵- پرداخت هزینه‌های درمانی و دستمزد ایام بیماری به کارگران آسیب دیده از حوادث شغلی

۶- لحاظ کردن مشاغل مختلف در بخش ساختمان در زمره کارهای سخت و زیان‌آور و اعمال شرایط بازنشستگی کارگران ساختمانی بر اساس این طبقه‌بندی

۷- حذف موانع تشکلی یابی کارگران و به رسمیت شناختن تشکلهای کارگری به عنوان نمایندگان کارگر از سوی کارفرمایان و ادارات دولتی

۸- تلاش در جهت آگاهی و ارتقا جایگاه اجتماعی کارگران

۹- کوتاه شدن دست دولت از صندوق تامین اجتماعی (حذف بند ز تبصره ۷ از قانون بودجه ۹۷) و شفاف نمودن وضعیت صندوق‌ها

۱۰- شرایط وخیم ساخت و ساز و بیکاری گسترده کارگران و استادکاران ساختمانی

۱۱- پرداخت بدهی دولت به صندوق‌های بیمه

۱۲- اجرایی شدن ماده‌های ۱۲۰ و ۱۲۱ قانون کار

ما کارگران و استادکاران ساختمانی باور داریم که با همبستگی همه کارگران در بخش‌های گوناگون می‌توان شرایط بهتری برای زندگی را فراهم آورد.

امضا کنندگان:

هشتاد انجمن صنفی کارگران ساختمان کشور

اردیبهشت ۹۷

۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده در محیط کار را گرامی می‌داریم!

کارگران جهان در چنین روزی در سراسر دنیا به یاد همکاران قربانی خود، کارزار همبستگی و همدردی با خانواده‌های کارگران قربانی را به راه می‌اندازند. سندیکاهای کارگری برنامه‌های آموزشی و اعتراضی گوناگونی را علیه سیاست‌ها و قوانینی که باعث قربانی شدن میلیون‌ها کارگر در سال می‌شود را سازمان می‌دهند.

ماده ۹۵ قانون کار ایران در مورد حوادث کار تاکید کرده است که مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشت کار برعهده کارفرما یا مسئولین واحدها است. ماده ۹۵ قانون کار این امر را هم پیش‌بینی کرده است که در صورت عدم رعایت مقررات ایمنی و پیش‌آمد حادثه، کارفرما از نظر کیفری و حقوقی مسئولیت دارد. در سال ۱۳۹۶ بیش از ۱۸ هزار و ۷۷۷ مصدوم و یک هزار و ۱۳۷ کارگر جان خود را از دست دادند، و این نشان دهنده این موضوع است که در مجموع ۱۹ هزار و ۹۱۴ کارگر با مرگ دست و پنجه نرم کرده‌اند. در واقع در سال گذشته در هر روز ۳ خانواده کارگری به سوگ نشسته‌اند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران همراه و همگام با کارگران جهان ۲۸ آوریل روز جهانی همدردی با کارگران آسیب دیده و روز اعتراض به نبود ایمنی در محیط کار را گرامی داشته و با اعتراض به شرایط وخیم عدم ایمنی در محیط‌های کار ضمن اعلام همدردی با عموم کارگران آسیب دیده و خانواده‌هایشان در ایران و سراسر جهان، خواهان بکارگیری بالاترین استانداردهای ایمنی در محیط کار و فعال شدن بخش بازرسی وزارت کار هستیم و شخص وزیرکار را مسئول بلاواسطه قربانیان حوادث ناشی از کار دانسته و اهمال و زیر پا گذاشتن موارد ایمنی در محیط‌های کاری را از بی‌مسئولیتی ایشان می‌دانیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۸ اردیبهشت ۱۳۹۷

به مناسبت اول ماه مه

Kmkoomak.wordpress.com

سالی پر چالشی را کارگران ایران پشت سر گذاشته اند. اعتصابات و درگیری های کارگری بیشماری را تجربه کردند ولی به صورت پراکنده که برآیندی قابل توجه نمی توانست داشته باشد. چون در میان سندیکا های مستقل کارگری، جبهه متحدی علیه لگدمال کردن حقوق آنها ایجاد نشده و حتی گروه های سیاسی که بنام دفاع از حقوق کارگران ایجاد شده اند (روشن فکران طبقه کارگری) یک انسجام فارق از گرایشات گروهی - سیاسی ایجاد نکرده است. گویی همه ما در روزه های دهه ۵۰ متوقف شده ایم. از سوی دیگر در درون حاکمیت بدون تردید مناسبات نولیبرالیسم آن هم از نوع هایکی آن، با قدرت کاربردی می شود. نوع " هایکی" نولیبرالی که جناب نیلی و غنی نژاد ایدیولوگ و برنامه نویس آن برای ایران هستند، این مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی " هایکی"، باور دارد: " دولت های نولیبرال می باید همراه با عملی نمودن این مناسبات به سرکوب سندیکا های کارگری اقدام نمایند، " مانند دوران طلایی نولیبرالی در زماننداری خاتم تاجر در انگلیس و برادر " ریگان " در آمریکا از این رو قانون کار، قانون اساسی، قضایی و حدود شرع، تنها در یک مورد همیشه و طی حاکمیت دولت های پس از جنگ کور، کر و صد در صد بی واکنش بوده اند و آن، زمانی بود که به بررسی چند و چون و موضوع پرداخت حقوق ماهانه کارگران به خصوص کارگران قرارداد موقت مربوط می شد. منافع اقتصادی و اجتماعی مشترک بین این نهاد های به اصطلاح قانونی و دولت هایی که با انتخابات استصوابی قدرت اداره امور را به دست گرفته و یا می گیرند، باعث شده است که برخلاف قاعده و عرف قوانین اساسی و کار و حدود شرعی که آقایان مدعی هستند به آن پایبند هستند و توافق فی مابین، کارگر و سرمایه دار، منافع کارگران ایران به گونه یک استثنا به کناری نهاده می شود و از کلیه مناسبات مدنی جامعه خارج می گردد. کارگر نه حقوق شهروندی دارد و نه هیچ حق دیگری. او ابزاری است زنده برای تولید، که درصد استهلاک آن نیز نباید محاسبه گردد. تنها به عنوان وسیله ای یک بار مصرف می باید تا صفر شدن حیاتش به تولید بپردازد تا انگل های اجتماعی فربه شوند. در صورت اعتراض به این روند فرا انسانی، آقایان نو سرمایه دار خواست و نگرش خود را با عبای روحانی، با شلاق و زندان و احکامی که مدعی اند از آسمانها آمده است، کارگران را محکوم می کنند. تا دیگران درک کنند در ساختار موجود، قوانین نولیبرالی امری الهی است که از آستین " مقدس" صندوق بین المللی پول بیرون آمده و به وسیله دولت های پس از جنگ در ایران کاربردی می شود. با این نگرش معترضین تنها مثنی کافر، ملحد و عامل بیگانه هستند، که تنها می باید تولید کنند و بمیرند. والی اگر پای رسیدگی " حدود شرعی" پیش بیاید احکام شان چوبه

دار است. این نهایت لطف و رحمت الهی این دولت هاست، که تنها به شلاق و زندان و گاهی اوقات هم به خودکشی معترضین منجر می شود. از سوی دیگر یکی از شیوه های نادرستی که در سال گذشته مبارزان کارگری را به دام خود گرفتار کرده بود، گرایش به مبارزات فردی و قهرمانه بود که در زندان ها با اعتصاب غذای فردی آغاز می شد. در حالی که مبارزات فردی شیوه نگرش لیبرالی است نه جنبش کارگری، این شیوه استقبال از مرگ و معلولیت است که تنها مقداری خوراک تبلیغاتی برای برخی گروه های سیاسی فراهم می کند. ولی جنبش کارگری را به راهی می کشاند که جدایی و پراکندگی در میان کارگران را تشدید می کند. البته این نظر ماست. از سوی دیگر چپ های مدرن که هواداران بی شماری در میان طبقه متوسط و تکنوکراتهای لیبرال دارند (به گونه ای که زمانی از این نگرش انتقاد می شود حتی رسانه " آخبار روز" که مدعی تریبون چپ است، از انتشار مقاله اتحادیه کارگری خود داری می کند. به خصوص اگر از سوسیالیسم علمی هم در آن، دفاع کرده باشد). بدون آن که به گذر حوادث در اطرافشان (شرایط عینی و ذهنی) توجه کنند از برج عاج نا آگاهی فریاد می کشند: " این چپ های سنتی و ارتدوکس نمی فهمند که اگر نولیبرالی واقعا در ایران کاربردی گردد، تکنولوژی و توسعه صنعتی به ایران می آید، و با تولید انبوه، اشتغال همه کارگران و حقوق بگیران امری حتمی است که رفاه را نیز، با خود می آورد!! (می بینیم که در اندونزی پس از کودتای آمریکایی " سوهارتو" و قتل عام یک میلیون کمونیست، نولیبرالی را کاربردی کردند و اینک کارگران اندونزیایی در حصارآبادهایی بدون حداقل امکانات زندگی انسانی، در کثافت های نولیبرالی در هم میولند). از سوی دیگر این جماعت چپ سنتی و سندیکالیست ها هم، در نظام نولیبرالی می توانند سندیکاهای خود را ایجاد کنند و هر چه می خواهند کار سندیکایی انجام دهند و با توسعه صنعتی در آزادی پارلمانی البته از نوع استصوابی آن بهترین " دموکراسی" دنیا را تجربه کنند و " . . .

این مارکسیست های جوان و پیرو یادداشت های فلسفی دوران جوانی مارکس، که مارکس را هم، چون ایدالیسم عینی هگل را نفی نموده و ماتریالیسم تاریخی را به عنوان روند علمی سیر تحولات اجتماعی - تاریخی کشف کرده است. سنتی و ارتدوکس می دانند. بادی در گلوی خرده سرمایه داری خود می اندازند و اعلام می کنند: (نقل به مضمون) "سرمایه داری می تواند دشواری های روند گذر از بحران ها را، خود ترمیم بنماید و از پس بحران های اقتصادی - اجتماعی ایجاد شده برمی آید. لذا فلسفه علمی و نگرش مارکسیسم لنینیسم باید دور ریخته شود. و با اصلاحات از نوع وطنی هم می توان به عدالت اجتماعی و آزادی رسید." البته به شیوه " حضرت رفسنجانی" به صورت پنهان، خزنده و نرم. در واقع این جماعت، سرمایه داری را، همان مارمولکی تصور می کنند، که هنگامی که در باتلاق خود ساخته گرفتار می شود، با ترفندهای ماکیاولیستی با جدا کردن بخشی از وجودش (دم ش) خود را آزاد می سازد و سپس با ترمیم دم از دست داده شده، باز به زندگی پایان تاریخی ش، برمی گردد. ولی چگونگی این ترمیم را

که ایجاد جنگ های جهانی و کشتار میلیونی انسان هایی است که مانند ربات مکانیکی به این نظام خدمت کرده اند چیزی نمی گویند !!!

ما در این شرایط پیچیده و دشوار به استقبال جشن اول ماه مه می رویم. در این شرایط قهر ضد کارگری، کارگران گرفتار در این مناسبات ویران گر، بدون مبارزه برای درآمد بیشتر، بلکه برای توافق فی مابین انجام شده و دریافت همان چنדר غاز تایید شده به وسیله " کار آفرین " های نظام نو لیبرالی - آمریکایی پس از کودتای ضد قانون اساسی و مسخ برخی از اصول آن، اعتصاب و اعتراض می کنند. پاسخ آنها را که همه از رسانه ها شنیده و می بینند چیزی کمتر از سرکوب و . . . نیست. از سوی دیگر، برخی برادران اتحادیه های . . . و کمیته ها و اتحادیه ها برای ایجاد . . . با مشتی پول هایی که سرچشمه آن نامشخص است راهی ارتباط با سندیکا های مستقل و درگیر با کارفرما ها می شوند تا از برادران کارگر اخراج و زندانی شده حمایت کنند!! و بدین گونه خبر و عکس از اعتراضات را به گونه ای منتشر می کنند که گویی این فعالین کارگری تنها چند سیاسی از نوع چپ مدرن بیشتر نیستند و یک عالمه کارگر آنها را پشتیبانی می کنند. بدین گونه این فعالین سیاسی - کارگری، از میان سردمداران سندیکاها آنها را انتخاب می کنند که شعارهای تندی می دهند و خواستار مصادره کارخانه به وسیله کارگران می شوند. بعد شرایط مهاجرت آنها راهم آماده می کنند تا به آن سوی آب بروند و چند روزی بعد سر از کانال های ماهواره ای سر برآورند. با این روش ها، یک قربانی در سندیکای شرکت واحد داشتیم، یکی هم تازگیها در سندیکای هفت تپه داریم. که در آن سوی آب با های و هوی دفاع از حقوق کارگران ایران، از جایی که خطری برای داد و فریادشان ایجاد نمی کند. ولی در عوض آب و نان چرب تری را هم برایشان به ارمغان می آورد، به فعالیت می پردازند. این شیوه مبارزه درنهایت این کارگران را به ضد خود، به یک عامل امپریالیسم بدل می کند. از این رو می بینیم دو سندیکای معروف که با زحمات زیاد برخی مبارزین کارگری ایجاد شده اند هم رهبران واقعی خود را از دست می دهند، چون یا در زندان هستند و یا از فعالیت با سندیکایی محروم شده اند. و خود سندیکا هم دچار چند دستگی شده است. و افراد هیات مدیره آنها بین برخی فعالین کارگری (بخوانید بین برخی فعالین سیاسی اصلاح طلب چپ نما) تقسیم شده اند و انسجام اولیه خود را از دست داده اند.

در بخش کارگران قرارداد موقت، وضع فاجعه بار، شکل دیگری دارد. چون کارهای توسعه صنایع نفت به دلیل تحریم ها متوقف شده اند و بیش از دوسالی است که پروژه های نفتی به صورت بسیار محدود کار می کنند، خیل بزرگی از کارگران بیکار شده اند. در شرایط کمی اشتغال، تنها آنهایی به کار گرفته می شوند که از هر اندیشه ای پاک شده باشند و با اعتراض و چند و چون مناسبات بازار کاریگانه باشند. " آقایان کار آفرین " هم به سبک دوران مک کارتیسم آمریکا " با نگاه به لیست بلک لیست ها، برخی را به کار می گیرند. از این رو کارگران پروژه ای هم که همه بیکار شده اند و هر کدام در یک

شهر به سر می برند درآمدی ندارند که هزینه زندگی خانواده اشان را پرداخت کنند تا چه رسد که بخواهند دور هم جمع شوند و اعتراضی کنند. اگر چه بخشی از معترضین دی ماه سال گذشته را این کارگران تشکیل داده بودند و بدین گونه خشم و نفرت خود را از نظام آمریکایی - نولیبرالی تخلیه کردند. کارگران کارخانه های ثابت دولتی و خصوصی هم که همگی زیر پوشش انجمن های اسلامی - صنفی، تنها به کسانی می توانند رای بدهند که اداره حراست شرکت آنها را تایید کرده باشد (البته از میان این نمایندگان برخی کارگران فعال و مدافع واقعی حقوق کارگران بیرون آمده که شایستگی آنها جای تردیدی ندارد) دیدیم که این جماعت استصوابی هم در قبال خارج شدن کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار که میلیون ها خانوار کارگری را به زیر حداقل حقوق راند و آنها را برای همیشه از سنوات و خدمات درمانی و بازنشستگی خارج کرد، تنها سکوت کردند. و در مورد ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی که همه ی کارگران صنعتی قرارداد موقت ایران را هم از شمول قانون کار خارج نمود، باز هم سکوت کردن را بر هر امر دیگری ترجیح دادند. تنها وقتی روند نولیبرالیسم شرایط کار آنها را با طرح اصلاح قانون کار و طرح کار آموزی و با بند "ز" بودجه دولت، به خطر انداخت به اعتراض پرداختند. اعتراضی که دیگر نمی توانست پشتوانه همه کارگران را با خود داشته باشد.

امسال هم مانند هر سال پیشین، پیش از پایان سال، نمایندگان دولت که در واقع نماینده سرمایه داری دولتی و ضد منافع کارگران هستند و نماینده کارفرمایان که نیازی به معرفی آنها نیست و نماینده کارگران انجمن های اسلامی - صنفی که تایید شده ادارات حراست دولتی هستند، برای تعیین حداقل حقوق به نمایش خیمه شب بازی چانه زنی پرداختند. این چانه زنی زمانی شکل واقعی به خود می گیرد که فراتر از اصل ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی باشد و کارگران فراتر از آن چه قانون تعیین کرده به دلیل تغییر شرایط اقتصادی و تورم، مطالبات بیشتری داشته باشند. نه در این شرایط که دولت های پس از جنگ برخی اصول قانون اساسی را که به حقوق مردم پرداخته نفی می کنند، و در شرایطی که حداقل حقوق برخلاف اصول قانون اساسی زیر خط فقر است. لذا این چانه زنی از درون مایه تهی شده و نمایشی فرمایشی برای فریب کارگران و حقوق بگیران ایران است. باز هم تاکید می کنیم آن چند نفر نمایندگان محدود که در این کارزار دولتی به صورت واقعی از حقوق خود و کارگران دفاع کرده اند مستثنا هستند و از زحمات آنها سپاس گذاریم. ما در این شرایط به استقبال جشن اول ماه مه می رویم.

کارگران ایران همان گیوتینی بودند که تنها عمل کرد آنها توانست با حمایت از جنبش مردمی ۲۲ بهمن ۵۷ با قطع کردن گردن نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم جهانی، باعث پیروزی انقلاب بشود. ولی اینک خوشه چینان انقلاب آن را مصادره کرده اند و خود را صاحب انقلاب و انقلابی معرفی می کنند. آنهایی که رهبرانشان بیش از دو سه ماهی زندان های شاهی را تجربه نکرده بودند، اینک میلیارد ها تومان سرمایه های

چند نسل کارگری را بنام بند " ز " بودجه دولت، مالک می شوند همان گونه که دولت پوپولیست قبلی بخش بزرگی از این اموال کارگران را بین " خودی های " خودشان تقسیم نمودند که یکی از نمایندگان مجلس این غارتگری را افشا نمود (محبوب). تلاش آن چند کارگر شورا های اسلامی کار همراه با شوک وقایع دیماه ۹۶ باعث شد تا حداقل حقوق امسال حدود ۲۰ درصد تایید شود البته بدون تاثیر روی بقیه حقوق های کارگران. ولی دولت نولیبرالی که همه ابزارهای اقتصادی را در دستان خود دارد، با بازی با نرخ " ارز " بیش از ۳۰ درصد قدرت خرید کارگران و همه حقوق بگیران را پایین آورد. به چند سند توجه کنید، مشاور ارشد رییس جمهور و ایدیولوگ نولیبرالی در ایران جناب نیلی در مقاله ای که توسط موسسه نیاوران آماده انتشار بود اعلام نمودند: " ثبات در قیمت ارز به نفع تولید کنندگان خارجی است، و رسماً خواستار افزایش قیمت دلار شد. " ۱۹ فروردین ۹۷ نیلی، طراح سیاستی اقتصادی " روحانی " رییس جمهور: " افزایش نرخ دلار، درآمد دولت را زیاد می کند. "

جناب مشاور ارشد به این واقعیت توجه نمی کند، که تولید کننده خارجی مانند آقازادگان ژن برتر نمی اندیشند. آنها با چنان قراردادهایی به تولید خواهند پرداخت که فراتر از بازی های ارزی جناب نیلی منافع شان را تضمین می کند و تنها در این صورت به ایران خواهند آمد. بر اساس گفته رییس کمیسیون اقتصادی مجلس در دوشنبه ۲۰ فروردین ۹۷ " در پنج سال اخیر کم سابقه بوده " ریال " در یک روز ۸ درصد ارزش خود را در مقابل دلار دست بدهد آن هم پس از تعطیلات نوروزی " .

دولت بدون توجه به این واقعیت هایی که کشور را به ورطه بی ثباتی کشانده است و هم چنان مناسبات اقتصادی تعدیل ساختاری و خصوصی سازی را، که سه دهه کاربردی کردن آن، نتوانسته چیزی فراتر از بحران اجتماعی - اقتصادی در کشور ایجاد نماید، کور کورانه دنبال می کند. از این رو کارگران نمی توانند امیدی به تغییری در زندگی برده گونه خود داشته باشند. یکی از امکانات باقی مانده برای تاثیر گذاری بر روند این همه نا به هنجاریهای اقتصادی-اجتماعی نقش سازنده ای است که روشن اندیشان طبقه کارگر ایران می توانند کاربردی نمایند و آن، حداقل اتحاد عمل در میان خود فعالین کارگری است که دچار نوعی فرد گرایی نشوند تا حداقل بتوانند اتحاد همه کارگران ایران را تبلیغ کنند و عمل کردشان نمی باید به گونه ای باشد که در میان سندیکاهای موجود تفرقه ایجاد کند . از نگاه ما، تا زمانی که این در بر این پایه می چرخد، هیچ امکان امیدوار کننده ای وجود نخواهد داشت، تصور می کنیم این یک واقعیت عینی است که جنبش کارگری ایران می باید در آن تجدید نظر کند .

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران ۱ اردیبهشت ماه ۹۷

سخن گو ناصر آقاجری

دستبرد مکرر به دستمزد کارگران!

با اعلام افزایش حداقل حقوق به میزان ۲۰ درصدی، دریافتی کارگران به ۱ میلیون و ۱۱۴ هزار تومان رسید و باز هم ۴ برابر زیر خط فقر تعیین شد. اینکه چگونه کارفرمایان و خود شخص وزیر این مبلغ را برای یک ماه زندگی انسان ها کافی می دانند و مخارج خودشان چند برابر این حداقل حقوق است، نشان از تفکری دارد که کارگران را انسان نمی پندارند و برای خود مرتبه ای والاتر از ۹۰ درصد مردم ایران قایلند.

وزیرکار مدعی است: «بعد از سال ۵۸ که افزایش حقوق بیش از ۱۷۰ درصد افزایش داشت، امسال با توجه به نرخ تورم ۳/۸٪ و حدود ۲۰٪ افزایش دستمزد در شورای عالی کار، حدود ۱۳۰ درصد بیش از تورم افزایش حقوق کارگران را در سال ۹۷ تعیین شده است.» این درحالی است که نرخ تورم هر ساله غیر واقعی تعیین می شود و قدرت خرید مردم بیش از هر زمان پایین آمده است. فقط در ششماه آخر سال ۳۰ درصد از قدرت خرید مردم کاسته و به گرانی افزوده شده است. این درحالی است که فقط افزایش قیمت نرخ بلیت مترو و اتوبوس های شرکت واحد که زحمتکشان استفاده می کنند در سال جاری دو برابر خواهند شد.

اما آنچه هیچکس به آن نمی پردازد کاهش قدرت خرید زحمتکشان با بازی دلار است. در اول سال ۹۶ قیمت دلار ۳۷۰۰ تومان بود که با حداقل دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی به دستمزد ماهانه ۲۴۵ دلار خلاصه می شد اما با بالا رفتن دلار در آخر اسفند سال گذشته به ۱۹۵ دلار کاهش دستمزد ها رسید.

در حال حاضر همین مبلغ ۱ میلیون و ۱۱۴ هزار تومان هم اگر قرار باشد قیمت دلار به ۶ هزار تومان برسد در حقیقت هیچ افزایش در دستمزدها صورت نگرفته است. دستمزد امسال با نرخ دلار بالای ۵ هزار تومان هم ۲۱۹ دلار تعیین شد و این یعنی عقبگردی حساب شده توسط سرمایه داری مالی تا بازهم به قدرت خرید زحمتکشان دستبردی آشکار زده باشند. یعنی کارگری که در اول سال ۹۶، ۲۴۵ دلار در ماه حقوق می گرفت در اول سال

۹۷ دستمزدش با ۲۰ درصد افزایش به ۲۱۹ دلار در ماه رسید و این شعبده بازی است که بر سر دستمزد زحمتکشان توسط وزیرکار، وزیر صنعت، و کارفرمایان بخش خصوصی گذاشته می شود.

اما دستبرد بزرگتر به دستمزدها در بودجه سال جاری اتفاق افتاد که منابع درمان تامین اجتماعی به جیب دولت ریخته شد و صدای آقای وزیر هم در نیامد. این دستبرد در زمانی اتفاق می افتد که دولت بیش از یک هزار میلیارد تومان به تامین اجتماعی مقروض است. یعنی دولت نه تنها قرضش به کارگران را نخواهد داد بلکه اندوخته های آنان را نیز به جیب خواهد زد و این دستبردی است که با افزایش ۱۰۰۰ درصدی حداقل حقوق نیز جبران ناپذیر است. با این تصمیم از این به بعد خانواده های کارگری بیشماری به آغوش مرگ خواهند رفت.

دستبردی که دولت و وزیرکارش به اندوخته های کارگران زدند بخشودنی نیست و بی تردید واکنش کارگران و سندیکای ما را در پی خواهد داشت.

موضوع دیگری که در تعیین حداقل حقوق باید به آن پرداخت موضع نمایندگان کارگری و تاکتیک های آنان برای این موضوع است.

به نظر سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران تا زمانی که نمایندگان کارگری حاضر در این جلسات خود را مستقل از دولت ندانند، بی تردید موفقیتی نصیب آنان نخواهد شد. این نمایندگان چنان به وزیرکار که نماینده بزرگترین کارفرماست اعتماد دارند که با گرفتن امضای مخالفت ایشان با رفتن منابع درمان تامین اجتماعی به صندوق دولت، آنان را به ذوق می آورد و فارغ از مسوولیت نمایندگی کارگران آنان را وابسته به وزیر کرده است.

تاکتیک خروج از میز مذاکره به دلیل دستبرد دولت به اندوخته های کارگران توسط این نمایندگان و برگشت دوباره به میز مذاکره نشان از بی برنامه گی این افراد دارد. همچنین از آنجایی که این نمایندگان گان خود را در چارچوب موضوع شاخص تورم و نه افزایش قدرت خرید کارگران محدود نموده اند، نمی توانند

به این شناخت برسند که با پایین آمدن ۳۰ درصدی ارزش پول ملی در ششماه گذشته آیا تورم هنوز زیر ده درصد است؟؟

هرچند افزایش سبد معیشت به ۲ میلیون ششصد و شصت نه هزار و ۸۰۰ تومان گامی به جلو است اما پیشنهاد افزایش ۳۶ درصدی مزد از سوی نمایندگان کارگری و سپس تقلیل آن به ۲۰ درصد یعنی تخفیف ۴۰ درصدی از هیچ بقال سرکوجه ای سر نخواهد زد. یا اعلام ۳۷ درصد غیر واقعی بوده که نباید مطرح می شد و یا اینکه واقعی بوده پس عقب نشینی ۱۶ درصدی به چه معناست؟

این ضعف ها باعث شده است که چه کارفرمایان خصوصی و چه کارفرمای بزرگ دولتی (وزیرکار) از این موضوع سواستفاده کرده همچنان دستمزد کارگران را نه زیر خط فقر بلکه زیر خط زنده ماندن نگه دارند.

دوستان کارگر،

اگر امنیت شغلی نداریم، اگر ارتش بیکاران باعث شده کارفرمایان ما را به اندک حقوقی به برده گی بکشند، اگر عدم ایمنی در محیط کار خانواده های کارگران را به سوگ می نشاند، اگر دولت به خود اجازه می دهد به اندوخته های ما و پدرانمان دستبرد بزند، بی شک به دلیل تشکل نیافتن ماست. بیاییم با عضویت در سندیکاهای کارگری موجود و ایجاد سندیکاهای کارگری در محیط های کاریمان این تجاوز آشکار به زندگی و حقوقمان را متوقف کنیم. پراکنده گی ما به سود کارفرمایان است.

پیش بسوی اتحاد و گسترش سندیکاهای کارگری

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۰ فروردین ۱۳۹۷

اتحادیه جهانی اینداستریال از دولت ایران می‌خواهد که پرداخت دستمزدهای عقب‌افتاده ۴ هزار کارگر شرکت ملی فولاد اهواز تضمین کند و کارگرانی را به طور غیرقانونی بازداشت شده‌اند آزاد کند



جناب آقای حسن روحانی، ریاست جمهوری اسلامی ایران

من این نامه را در مقام دبیرکل اتحادیه جهانی اینداستریال به شما می‌نویسم که بیشتر از پنجاه میلیون کارگر در بخش‌های معدن، انرژی، و تولید در بیشتر از ۱۴۰ کشور جهان از جمله در ایران را نمایندگی می‌کند. من از شما می‌خواهم که بی‌درنگ وارد عمل شوید و پرداخت دستمزدهای عقب‌افتاده ۴ هزار کارگر شرکت ملی فولاد اهواز را ضمانت کنید. به‌علاوه، آزادی بیشتر از ده کارگر را که در آخر هفته گذشته بطور غیرقانونی بازداشت شده‌اند، تأمین و تضمین کنید.

بهرغم شکایت‌های متعدد کارگران به اداره‌های گوناگون دولتی، از جمله به استانداری خوزستان، دستمزدهای سه ماه گذشته ۴ هزار کارگر شرکت فولاد اهواز هنوز پرداخت نشده است. به‌علاوه، مدیران کارخانه ظاهراً گفته‌اند که پاداش آخر سال و عیدی کارگران که باید پیش از سال نو و آغاز تعطیلات نوروز پرداخت شود، پرداخت نخواهد شد. اینداستریال همچنین نگران سرنوشت بیشتر از ده کارگری است که در آخر هفته گذشته به طور غیرقانونی بازداشت شده‌اند.

از این رو، ما از شما می‌خواهیم که بی‌درنگ در این امر مداخله کنید تا پرداخت حقوق عقب‌افتاده این ۴ هزار کارگر شرکت فولاد اهواز، آزادی کارگران بازداشت شده، تأمین و حفاظت از حقوق بنیادی کارگران، از جمله حق کارگران برای پیوستن به سندیکای مورد انتخاب خودشان و شرکت در چانه‌زنی جمعی، تضمین شود.

منتظر پاسخ و اقدام بی‌درنگ شما هستیم.

با احترام،

والتر سانچز، دبیرکل



۱۱ اردیبهشت تعطیل رسمی است!

ماده ۶۳ قانون کار :

روز کارگر بر اساس قانون کار، روز تعطیل رسمی برای کارگران محسوب می‌شود و کارفرمایان حق ندارند در این روز کارگران را وادار به کار کنند.

رضا شهابی آزاد شد!



به همان اندازه که از زندانی شدن و به بندکشیدن فعالین مدنی و کارگری بیزار و خشمگین می شویم، به همان اندازه از آزادی و خبر رهایی آنها از بند ظالمانه ای که به خاطر حق طلبی به آن محکوم می شوند، خوشحال می شویم. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران آزادی رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران را به وی و خانواده گرامی و سندیکای برادر و جامعه کارگری و تمام کوشندگان راه آزادی و برابری تهنیت و شادباش می گوید. امیدواریم با تلاش و مبارزات پیگیر خود بتوانیم درسایه اتحاد و همبستگی تمام تشکلهای مستقل کارگری درکناردیگرفعالین حوزه های مختلف اجتماعی که دغدغه ی آزادی و برابری و البته شکوفایی ایران را دارند، بتوانیم شرایطی فراهم نماییم که دیگر کسی به خاطر دفاع از حقوق قانونی مسلم و انسانی خود به بند کشیده نشود.

اتحاد، همبستگی و تشریک مساعی بین فعالین و تشکلهای مستقل کارگری و دیگرفعالین از لایه های مختلف اجتماعی که دغدغه ی نان، کار، آزادی فعالیت صنفی، صلح و پیشرفت را دارند ضامن برون رفت از شرایط بحرانی و سخت کنونی می باشد. به امید رهایی تمام زندانیان کارگری، سیاسی، مذهبی، قومی و مدنی.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۵ اسفند ۱۳۹۶

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن اصفهان:



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- امسال سهم بیمه تکمیل درمان در قرارداد جدید شرکت برای هر نفر از ۱۸۵۰۰ به ۲۲ هزار تومان رسید. یعنی ۱۹ درصد افزایش داشته است. چرا؟؟ آیا شرکت نباید در این مورد با توجه به این همه کارگر و کارمندی که عضو بیمه تکمیل درمان می شوند، خود نیز کمی از سود ذوب آهن هزینه کند،

نه اینکه همه هزینه را به دوش کارگران بباندازد؟؟ برای یک خانواده ۴ نفره کارگری این مبلغ به ۸۸ هزار تومان می رسد.

۲- امسال لباس ورزشی که به عموم کارگران ورزشکار تعلق می گرفت فقط به کسانی که در مسابقات شرکت می کردند داده شد. آیا این یک اجحاف در حق کارگران ورزشکار نیست؟ بعد مدیریت از سود دهی ذوب آهن دم به دم حرف می زند؟؟ اینگونه باید به سوددهی رسید؟؟

۳- مدیریت از سوددهی شرکت حرف می زند به ویژه آقای صادقی مدیرعامل. آیا وقت آن نرسیده که حق کارگران از این سوددهی در افزایش دستمزدها و پاداش و رسمی شدن کارگران و طبقه بندی مشاغل را شاهد باشیم؟ یا باز هم حقوق مدیران افزایش خواهد یافت؟؟

۴- سالهاست شرکت نسبت به استخدام کارگر اقدام نکرده و در حال حاضر بخش های مختلف نیاز به کارگر دارند. این در حالی است که هر ساله تعداد زیادی از کارگران بازنشسته شده و کارگر فعلی باید به جای آنها نیز کار کنند که فشار زیادی به کارگران می آید؟؟

۵- با توجه به سود دهی کارخانه که با دستان تلاشگر کارگران و مدیریت آقای صادقی محقق شد، آیا امسال شرکت ذوب آهن به جز افزایش دستمزدی که وزارت کار اعلام کرده شرکت نیز به افزایش حقوق کارگران اقدام خواهد کرد؟؟

۶- در قسمت های مختلف شرکت ذوب آهن آب آشامیدنی به دلیل فرسوده بودن خطوط لوله کثی بد بو و تغییر رنگ داده است. چرا به این مشکل رسیدگی نمی شود؟

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پروژه های نفتی

امروز یکشنبه ۲۶ فروردین ساعت ده صبح در شرکت عمران صنعت کنگان سه کارگر از ارتفاع ۲۵ متری سقوط کرده و پس از انتقال به بیمارستان امام خمینی کنگان به علت شدت جراحات کشته می شوند. این اتفاق در فاز ۱۳ پارس جنوبی اتفاق افتاده است. این حادثه به علت پاره شدن زنجیر جرثقیل سقفی اتفاق افتاده است.

طی سالیان دراز است که بازرسی وزارت کار امر بازرسی از وسایل ایمنی شرکت ها را به فراموشی سپرده و کارفرمایان هم برای سود جویی هرچه بیشتر افسران ایمنی را به نادیده گرفتن این موارد وادار می کنند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پیمانکاران بدحساب پروژه

شرکت آباد خزان دریای جنوب که در حال حاضر در سه راه خون سرخ بندر عباس مشغول فعالیت می باشد از جمله شرکت هایی است که پیمانکارانش بدحساب و حقوق کارگران را بالا می کشند. این شرکت، پیمانکاری به نام مسلم زمزم دارد که هنوز بعد از سه سال و پس از شکایت بیش از ۴۰ کارگرش که در شهرک صنعتی شیراز برایش کار کرده اند، حقوقشان را پرداخت نکرده است. کارگران حتا با گرفتن وکیل نیز نتوانسته اند تا کنون طلبشان را دریافت کنند. در این شرکت وضعیت غذا و خوابگاه بسیار افتضاح است.

در شهرک صنعتی شیراز خوابگاه هایش چند اتاق فرسوده که داخل خود کارگاه بدون در و پیکر، بدون وسیله گرمایشی و سرمایشی را در اختیار کارگران گذاشته بود. در فصل تابستان به زور یک کولر آبی برای کارگران تهیه می کرد.

مسلم زمزم وقتی می خواست یک ملیون تومان به حساب کارگران واریز کند صد هزار تومان می ریخت و بعد میگفت اشتباه شده دفعه بعد جبران می کنم. برای استفاده از سرویس بهداشتی کارگران باید یک کیلومتر پیاده روی می

کردند تا به محل سرویس بهداشتی و حمام برسند. مرخصی های کارگران را به ازای هر ۲۴ روز کار ۶ روز حساب می کرد. در بندرعباس هم به کارگران دستمزد کمی می دهد و می گوید چون کار من سبک است باید حقوقم نسبت به بقیه شرکت ها کمتر باشد به همین دلیل کارگران زیادی پس از دیدن این موارد برایش کار نمی کنند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از حقه بازی پیمانکاران

سالهاست پیمانکاران برای به کار گیری کارگر ارزان از روش های گوناگون استفاده می کنند ولیکن به تازه گی پیمانکاران در پروژه های نفتی دست به حقه بازی جدیدی زنده اند. به این صورت که آگهی استخدام جوشکار می دهند و پس از اینکه جوشکاران به سرپروژه می روند از آنها می خواهند تست جوشکاری بدهند. کارگرا هم برای اینکه کار را به دست بیاورند مهارت جوشکاری خود را به کار گرفته که در تست عکس رادیوگرافی قبول شوند. اما پیمانکاران با اعلام دستمزدی پایین کاری می کنند که کارگر بعد از دو یا سه روز کار مجانی پروژه را ترک کنند و به این ترتیب کارگران بیکار در صف را مجبور به دادن تست و راه انداختن پروژه خود می کنند.

در آخرین نمونه از این حقه بازی کثیف پیمانکاری مهرداد نبوی از شرکت انرژی گستره ایستگاه گاز اندیمشک با بردن کارگران به سر پروژه، از آنان بصورت مجانی سو استفاده می کند. شرایط کار، جوشکاری بر روی لوله های سایز بالا ۳۰ اینچ در این ایستگاه است. روزانه بیش از ۲۰ جوشکار به این صورت در این پروژه مورد سو استفاده کاری قرار می گیرند.

گروه کارگران پاپیینگ و اکیپ پروژه ای ها به همه کارگران اعلام می کند این شرکت و پیمانکار حقه بازش تحت تحریم این گروه قرار گرفته و از همه کارگران می خواهد برای حمایت از حقوق حقه امان به همه برادران کارگر اطلاع رسانی کرده و در اینگونه پروژه ها کار نکنیم.

گزارشی خبرنگار پیام سندیکا از داروسازی نوین کاوش مامطیر (نوکام)



این کارخانه که با تلاش اولیه افرادی که دغدغه تولید و خودکفایی دارویی کشور داشتند در سال ۷۸ شروع به ساخت شد و در سال ۸۱ آغاز به کار نمود. در شروع کار تولید کننده انحصاری ویتامین ب۱ بود که در سالهای بعد داروهای دیگر از قبیل آتور و استاتین ، مایکو فنولات، ونلا فاکسین و... به آن اضافه شد. این کارخانه در شهرک صنعتی ساوه واقع شده است. در ادامه کار بدلیل نبود نقدینگی بخشی از سهام شرکت به افراد دیگری که تجارت دارو می کردند فروخته شد که به هلدینگ شرکت فرزند نام ملحق شد که شرکت پخش ندای محیا بدلیل واردات دارو و پخش آن در این هلدینگ دست بالا را داشت .

این شرکت نوکام با فروش سالانه ۱۶ میلیارد تا سال ۹۵ به کار خود ادامه می داد البته با صاحبان جدید خود که تاجر دارو بوده و با هم فامیل نیز بودند. در این سال به دلیل اختلاف فامیلی بین صاحبان نوکام سرمایه گذاری در این شرکت انجام نشد و کارخانه ای که سود ده بود دچار مشکل گردید و تولید متوقف شد و آرام آرام شرایط را طوری رقم زدند که پرسنل متخصص از کارخانه رفتند. از شهریور سال ۹۶ حقوق کارگران پرداخت نشد و بصورت موقت مبلغی به کارگران داده شد تا سرانجام در اسفند ۹۶ تعداد کارگران از ۶۰ نفر به ۱۲ نفر کاهش یافت. کارگرانی که رفتند حق و حقوقشان را نگرفتند و پرداخت به فروش کارخانه موکول گردید . در حال حاضر ۵ نفر که ۳ نفر نگیهان هستند در کارخانه مانده اند . همه پرسنل کارخانه چه آنهایی که هستند و چه آنهایی که رفتند برای گرفتن حقوقشان به اداره کار مراجعه و به دادگاه

شکایت نمودند. حدودن ۸۰۰ میلیون بابت حقوق، همه کارگران در این مدت یکسال طلبکار هستند. کارگران برای گرفتن این حقوق با حکم دادگاه دستگاه های کارخانه را توقیف نمودند. در حال حاضر کارگران با مزائده گذاشتن اموال توقیف شده قصد فروش و گرفتن حق خود هستند. این پروسه شکایت تا مزائده یک سال طول کشیده است ولی کارگران با عزمی راسخ در جهت گرفتن حقتشان اقدام کردند و نومید نشدند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران ساوه

متأسفانه غیر بهداشتی بودن کارخانه ها و عدم رسیدگی به این موضوع باعث مشکلاتی در میان کارگران کارخانه ها و سرایت این مشکل به خانواده های آنان می شود. در کارخانه کاغذسازی کاوه در خیابان هفتم شهرک صنعتی ساوه یک به جان کارگران افتاده است و بنا به دستور واحد بهداشت به کارگران توصیه شده که هر روز دوش آب گرم گرفته و با صابون ضد عفونی کنید!!! اما دریغ از آب گرم و صابون در این کارخانه.

هر چند که این مشکل به اطلاع شبکه بهداشت و درمان ساوه اطلاع رسانی شده اما کارگران با اینگونه مشکلات چه کنند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه الکتروژن

کارخانه الکتروژن واقع در احمدآباد مستوفی تهران به تولید الکترو موتور مشغول است. در ۱۸ فروردین به همه کارکنان این کارخانه ابلاغ شد چنانچه کارکنان با حداقل حقوق می توانند کار کنند مانند شان بلامانع است و الا به کار آنان خاتمه داده خواهد شد. در همان روز ۸۰ نفر از بخش مهندسی و از بخش تولید کارگران با سابقه اخراج شدند و این اخراج ها ادامه خواهد داشت.

همچنین در خبرها آمده بود که کارخانه متالورژی پودر ایران با ۱۵۰ کارگر از امروز چهارشنبه ۲۲ فروردین تعطیل شد و ۸۰ کارگر کنتورسازی ایران با سوابق ۵ تا ۱۰ سال در نوبت اخراج قرار گرفتند.

این درحالی است که کارفرمایان برای به بن بست کشاندن افزایش حداقل حقوق نسبت به این اخراج ها دست زده اند تا کارگران باقی مانده را وادار کنند با حداقل حقوق کار کنند و کارگران باسابقه که دارای حقوقی به مراتب بیشتر هستند و مهندسین را مجبور به تن دادن به خواسته های کارفرما کنند. کارخانه الکتروژن از کارخانه هایی است که محصولاتش را به قیمت خوب می فروشد و بازار خوبی دارد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران!

از شروع سال جدید اخبار ناگواری به تحریریه پیام سندیکا می رسد مبنی بر رفتارهای خلاف قانون کارفرمایان.

کارخانه تولیدی پوشاک ورزشی پانیل با دارا بودن ۴۵ کارگر در سال گذشته و فروش خوب محصولاتش، در آخر سال گذشته به کارگران اعلام کرد که از سال جدید بسیاری از کارگران را اخراج خواهد کرد. تا زمان درج این گزارش کارفرما نسبت به بازگشایی کارخانه اقدام نکرده است.

همچنین پیمانکار بیمارستان مدنی کرج روزی ۳ ساعت کارگران را اضافه کار نگه داشته و به آنان اضافه کاری و کارکرد روز جمعه را نمی دهد. ایشان اعلام کرده اند که حقوق اسفند و فروردین را آخر اردیبهشت و در صورت دریافت پول از بیمارستان پرداخت خواهد کرد و هرکسی که نمی تواند با این شرایط کار کند می تواند آخر اردیبهشت برای تسویه حساب مراجعه کند.

اکثر کارگران کارگاههای بافنده گی هم پس از مراجعه به محل کار با این موضوع روبرو شدند که کارفرما بیش از یک میلیون تومان به کسی پرداخت نخواهد کرد.

باید منتظر بود و دید در آخر فروردین دیگر کارخانه ها و کارگاهها با این افزایش حقوق چه رفتاری با کارگران خواهند کرد

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پروژه مسکن مهر پرنده

از سال ۸۶ که این طرح کلید خورد در میان مردم ذهنیتی در گرفت که بالاخره حاکمیت به فکر مردم افتاد. متأسفانه از آن سال تاکنون هنوز بسیاری از پروژه های مسکن مهر پرنده به اتمام نرسیده اند. با وجود اینکه قرار بود با ۱۰ میلیون تومان آورده نقدی هر خانواده فقیری صاحب خانه شود تاکنون با بالا بردن مبلغ دریافتی از متقاضیان این مبلغ به ۲۰ میلیون رسیده و بیش از ۶ سال است که پول ها گرفته شده و پروژه ها راکد مانده اند. از زمان روی کار آمدن دولت آقای روحانی تا کنون آجری روی آجر در این طرح گذاشته نشده است و بارها آقای آخوندی بی میلی دولت را برای پایان این پروژه اعلام کرده است.

اعضای تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک که در پروژه «هسا یک» دارای ۴۵ خانه هستند و متأسفانه از سال ۹۲ تاکنون هیچ فعالیتی از سوی شرکت عمران پرنده در این پروژه صورت نگرفته است و در آخرین دیداری که در هفته آخر فروردین رییس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران فلزکارمکانیک با مسوولین پرنده داشت به ایشان گفته شده است که هنوز پیمانکاری برای پروژه «هسا یک» قراردادی نبسته است و در نتیجه اتمام این خانه ها تاریخ دقیق ندارد و بی تردید امسال نخواهد بود. این درحالی است که بارها مسوولین پرنده و وزارت مسکن در جراید و رسانه ها اعلام کرده اند که خانه های خالی پرنده را متقاضیان نمی خواهند.

در بهمن گذشته که رییس هیات مدیره تعاونی به پرنده مراجعه کرد به ایشان گفته شد تا یکماه دیگر متقاضیان که پول داده اند و پروژه ایشان تکمیل نیست را در این خانه ها جایجا خواهند کرد. اما هنوز خبری نیست. در خبر دیگر هم گفته شده که خانه های ساخته شده را به کمیته امداد می خواهند بدهند چون متقاضی وجود ندارد. این یک بام و دو هوا کارگران را سرگردان کرده است.

از سوی دیگر کارگران که با این همه انتظار به خانه ای نرسیده اند و معلوم نیست که چه زمانی این پروژه ها تکمیل شوند خواهان پولهای خود هستند اما پاسخ مسوولین پرنده این است که پولی در بساط نیست تا به کارگران داده شود، مگر اینکه این امتیازها را دیگری بخرد و تا وجه کارگران تامین شود.

از سوی دیگر کارشناسان تعاونی فلزکارمکانیک این سوال را طرح می کنند که مدت زمان سن مفید یک ساختمان چقدر است که بیش از ۶ سال است این سازه ها به حال خود در باد و باران رها شده اند؟

گزارش پیام سندیکا از نیشکر هفت تپه



با اطلاعیه مدیر عامل شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه آقای اسد بیگی از امروز این شرکت تعطیل اعلام شد. با توجه به عدم دریافت ۲ ماه حقوق کارگران رسمی و عیدی پاداش سال ۹۶، کارگران طی چند روز اخیر دست به تجمع زده و خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده خود بودند. متأسفانه در درگیری دیروز ماشین معاون امور زیربنایی توسط کارگران خشمگین شکسته و باعث تصادف خودروهای عبوری شد. امروز نیز کلیه نگهبانان بومی حکم اخراج دریافت کردند.

در حال حاضر بیش از ۱۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش تجمع کرده و در حال مذاکره با فرماندار هستند. این تعطیلی در حالی صورت گرفته است که محصول نیشکر در زمین ها باید برداشت شوند و تاخیر باعث نابودی نیشکر و خسارت فراوان به شرکت زده خواهد شد.

شرکت نیشکر هفت تپه بیش از شش هزار کارگر دارد و حداقل بیست هزار نفر خانوار کارگری را در بر می گیرد. شرکت نیشکر هفت تپه در خاورمیانه بی نظیر است و می تواند شکر کل خاورمیانه را تغذیه کند. این شرکت استعداد پذیرش حداقل ۲۰ هزار کارگر را دارد اما مافیای شکر با همدستی مدیران نالایق شرکت را به تعطیلی کشانده و کارگران را بی پول و سرگردان نموده اند.

پنجشنبه ۹ فروردین ۱۳۹۷ ساعت ۱۱ صبح

گزارش تکمیلی از نیشکر هفت تپه

امروز سر سه راه هفت تپه ماشین های اطلاعات و نیروی انتظامی سعی در توقف کارگران داشتند ولی در نهایت پیش از رسیدن به بیمارستان شوش، توانستند بیشتر کارگران رو متفرق کنند. تعداد اولیه کارگران به نسبت زیاد و وسایل نقلیه هم زیاد بودند ولی آخرش حدود ۱۰۰ نفر رسیدیم پیش فرمانداری. یکی از مامورین هم چپ و راست عکس از کارگران می گرفت. مسیر جلو فرمانداری کاملن باز بود و مشکلی برای مرور وسایل نقلیه پیش نیومد. معاون فرماندار هم فقط سعی در آرام سازی کارگران داشت و هیچ نتیجه خاصی حاصل نشد. کلن در تجمع هم نمیشود نتیجه کلی و نهایی و قطعی گرفت وگرنه خواسته اول ما اخراج بخش خصوصی و برگشت شرکت به دولت هست. چون کارفرما در پرداخت مطالبات ناتوان هست.

فعلن هم جلسه شورای تامین در اهواز تشکیل شده و طوری هست که دیگه جلسات رو در اهواز و با حضور استاندار تشکیل می دهند. اما موضوع مهم خسارات جبران ناپذیری است که این تعطیلی نسنجیده به نیشکر هفت تپه خواهد زد. تمام مسیرهای کارخانه پر از شربت و سیروپ و پخت هست و این مسیرها باید مرتبن مورد بررسی قرار بگیرند و در صورت نیاز آب بر روی آنها باز بشود که پخت ها سفت نشوند. اگر سفت شدند علاوه بر خود پخت و شربت که خراب خواهند شد، دستگاه ها هم نابود میشوند.

کوره ی آهک نباید خاموش بشود که آگه خاموش شد در دسر روشن کردنش زیاد است. طبخای خام و تصفیه که داخل پن هاشون پخت هست که قیمت هر پخت صد ملیون است که حدود شش پخت جمعن در خام و تصفیه هست. اگر به این ها آب نرسد پخت ها سفت شده و پن عملن خراب خواهد شد. قیمت هر پن چند میلیارد است. همانطوری که پارسال یک پن خراب شد و دیگه درستش نکردند. نیشکرهایی که در بیابان باد می خورند بی تردید فاسد خواهند شد.

(کلیه اخبار هفت تپه بر گرفته از کانال تلگرامی رضا رخشان است)

گزارش از نیشکر هفت تپه

بعد از اعلام بازگشایی کارخانه نیشکر هفت تپه در روز گذشته متأسفانه تعدادی از کارگران دستگیر و روانه بازداشتگاه شدند که نام آنان به قرار زیر است:

۱- حسن نعمی ۲- حمید کثیر ۳- کریم دبات ۴- مجید چعب ۵- احمد چنانی
۶- کریم زبید

همچنین اسامی تعدادی از حدود بیست کارگری که به دادستانی شهر شوش احضار شده اند به شرح زیر است: ۱- سید حسن فاضلی ۲- فواد الکثیر ۳- ساجد الکثیر ۴- حسن الکثیر ۵- محمد خنیفر ۶- سعید منصوری ۷- مهدی ثاعمی ۸- چاسب حمدانی که از آنانی هنوز خبری نداریم.

البته بخش آبیاری شرکت با ورود کارگران این بخش فعال شده است اما متأسفانه آب لازم برای آبیاری نی موجود نیست که موجب خشک شدن و تلف شدن نی ها خواهد شد.

کارگران بهره برداری هنوز مشغول به کار نشده اند و امور اداری کماکان تعطیل است. البته در ساعت ۱۱،۴۰ دقیقه از کارخانه خبر داده شد که کوره بخار روشن گردیده است.

اما آنچه که مهم است هنوز تاریخ دقیقی در مورد پرداخت عقب مانده های کارگران اعلام نگردیده است.

تحریریه نشریه پیام سندیکا

۱۲ فروردین ۱۳۹۷

در نیشکر هفت تپه چه می گذرد؟

با آزادی بازداشتی های چند روزه اخیر هفت تپه تنها آقای حبیب چنایی در بازداشت مانده است. با توجه به اینکه کارگران آبیاری از عدم وجود آب بسیار نگران هستند مدیرعامل سازمان آب و برق خوزستان گفت: با توجه به شرایط فعلی خوزستان از نظر ذخایر آبی معتقدیم امسال نباید کشت نیشکر انجام شود. تنها راهی که بتوانیم مساله آب نخیلات و تالاب های شادگان و خرمشهر را حل کنیم این است که کشت نیشکر متوقف شود. با توجه به اینکه آب رودخانه کارون یک سوم شده سطح زیر کشت نیشکر هم باید یک سوم شود تا بتوانیم آب با کیفیت به نخیلات بدهیم

کارشناسان کارگری نیشکر هفت تپه اظهار داشتند که: خیلی خوبست مسولانی که دهانشان را باز می کنند و صحبت های این چینی می گویند به این سوال هم جواب بدهند که در این صورت تکلیف نان بیش از پنجاه هزار نفر کارگر صنعت نیشکر قند چه میشود؟ قطع گفتن چنین صحبت های جسورانه و با قاطعیت ، بازی با اعصاب کارگران و موجب تشویش اذهان می گردد. لطفا قبل از هر حرفی، تبعات احتمالی آنرا هم در نظر بگیرید. وقت آن رسیده که هفت تپه نیز برای حفظ و و تداوم حیاط، خود را برای این جدال سخت و جان فرسای مبارزه با طبیعت آماده سازد و خود را با طبیعت خشن در پیش رو تطبیق دهد. چند راه کار که میتواند هفت تپه و نان ۶۰۰۰ نفر را از ورطه ناپودی نجات دهد :

- ۱- کاهش سطح داشت در سال ۹۷ به زیر ۶۰۰۰ هکتار جهت رسیدن اب به تمام مزارع و حذف مزارع با راندمان پایین
- ۲- تامین به موقع و به اندازه نهاده های کشاورزی از قبیل کود، سم و لوازم آبیاری و کنترل به موقع علفهای هرز در راستای افزایش تولید نیشکر در واحد سطح
- ۳- تجمیع کشت های غیر نیشکری و انتقال آنها به مزارع پایین دست و کم آب در انتهای شبکه آبیاری
- ۴- بهره گیری از سیستم آبیاری تحت فشار قطره ای و بارانی جهت کاهش مصرف اب
- ۵- بهبود وضعیت کانال ها و جلوگیری از هدر رفت آب
- ۶- تطبیق و توسعه کشت های پاییزه مانند چغندر و کلزا که در فصول بارانی سال به عمل می آیند.

همچنین مدیریت هفت تپه اعلام کرد: به اطلاع کلیه کارکنان شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه می رساند که دفترچه های بیمه تامین اجتماعی از شنبه ۱۸ فروردین تمدید می شود. متاسفانه مدیریت هنوز از پاسخ به این سوال که حقوق های عقب افتاده را کی پرداخت می کند طفره می رود.

گزارش پیام سندیکا از شب عید کارگران پروژه ای



۱- کارگران پروژه (ورزنه) اصفهان شرکت کیسون در بی پولی بسر میبرند کارگرانی که بالغ بر ۱۹ ماه حقوق نگرفتند.

جالب این جاست که در پی اخطار سندیکا به این شرکت در رابطه با پرداخت حقوق کارگرانش سه مدیر این شرکت با مسوول سندیکا تماس گرفته و خواهان نام کسانی هستند که اعلام کرده اند حقوق نگرفته اند.

۲- کارگری برایمان نوشته است:

با سلام و احترام..

لطفاً به اخطار هم به شرکت ساختمان و نصب صنایع پتروشیمی در پروژه پتروشیمی بوشهر سایت ۳ ارسال نمایید که از برج ۷ به بعد دیگه هیچی پرداختی نداشته و بیمه پرسنل رو هم اقدام نکرد... و همه در بالاترین سطح بسر میبرن.

۳- و کارگر ایمانی برایمان نوشته:

با سلام خدمت تمام مدیران زحمت کش سندیکا خواهشی داشتم

میخواستم آگه از دستتان برمی آید به شرکت فولاد بوتیا کرمان هم بخاطر پیمانکارش آیت شیخی که حق کارگزارش رو پرداخت نکرده است هم خطاری بدهید اینجانب دارای دو برادر از کار افتاده هستم که برای مخارج زندگی خود و خانواده ام مجبور به کارکردن در شهرهای مختلف هستم که از پیمانکار شرکت فولاد بوتیا کرمان آقای آیت شیخی طلب دارم و دستم به جایی بند نیست شیخی هم تو تلگرام بلاکم کرده و قصد دادن حق اینجانب و عده ای دیگر را نداره.

کارگران این اجحاف را به که شکایت برند؟

گزارش پیام سندیکا از مشکلات کارگران در شرکت کیسون

شرکت کیسون ، غول کارهای ساختمانی، به عنوان یکی از بدحساب ترین شرکت های پروژه ای میان کارگران شناخته شده است.

اعتصاب های کارگری در این غول ساختمانی به یک امر عادی برای مدیریت شرکت تبدیل شده است. عقب افتادن حقوق کارگران در پروژه های بزرگ ساختمانی کشور از دلایل عمده این اعتصاب ها میباشد. از مثال های مشخص به موارد زیر می توان اشاره کرد:

- ۱- آبفای غرب تهران ضلع جنوبی میدان آزادی به مدت ۱۱ ماه . یعنی فقط حقوق فروردین را ۱۵۰ کارگر شاغل در این پروژه گرفته اند
- ۲- در پتروشیمی سبلان کارگران فقط تا آذر ماه حقوق گرفته اند
- ۳- کارگران در شرکت جویبار نفت از آذر ماه حقوق نگرفته اند

این درحالی است که شرکت کیسون با منابع مالی افسانه ای از پرداخت حقوق کارگزارش خوداری می کند.

گزارش پیام سندیکا از نیروگاه حرارتی طبس



در پروژه نیروگاه حرارتی طبس برای پیمانکاری به نام شرکت هرم سازان سورن مشغول به کار است که این شرکت پیمانکار دسته دوم شرکت رشد صنعت می باشد.

بدلیل اختلاف این دو شرکت تمامی کارگران هرم سازان را اخراج کرده و کار را به پیمانکار دیگری دادند.

تسویه حساب کارکنان را قرار شد شرکت رشد صنعت خودش پرداخت کند

ولی با گذشت بیش از ۱ ماه شرکت رشد صنعت هیچ پولی به کارگران پرداخت نکرده و هر روز به بهانه های مختلف دستمزد کارگران را پرداخت نمی کنند.

با توجه به نزدیک بودن به ایام عید و اینکه تمامی کارگران نیازمند دستمزد هایشان هستند این عدم پرداخت را جز بی وجدانی نام دیگری نمی شود گذاشت.

اخبار شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران

● پرداخت کمک های نقدی و غیر نقدی به کارگران شهرداری به مناسبت ماه های مبارک شعبان و رمضان

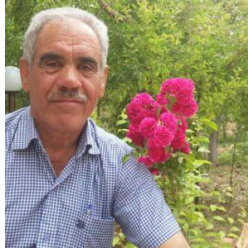
به مناسبت فرا رسیدن ماه های فرخنده و مبارک شعبان و رمضان، در هفته آتی کمک های نقدی و غیر نقدی در قالب شارژ کارت و کالا برگ به کارکنان شهرداری تهران پرداخت می گردد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل رفاه، تعاون و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، دکتر مدیح مدیر کل رفاه با اعلام خبر فوق، ضمن تبریک اعیاد شعبانیه گفت به همین مناسبت و با موافقت سرپرست محترم شهرداری تهران و تمهیدات معاونت محترم توسعه منابع انسانی کارت اعتباری همکاران ارجمند در شهرداری تهران به مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال شارژ خواهد گردید. مدیر کل رفاه، تعاون و خدمات اجتماعی در ادامه با اشاره به پیش رو بودن ماه مبارک رمضان، ماه نزول رحمت و ضیافت بیکران الهی افزود هماهنگی های لازم جهت اهدای کالا برگ ویژه این ماه گرانقدر به مبلغ ۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال فراهم گردیده است که تا قبل از آغاز این ماه عزیز به همکاران اهدا خواهد شد.

● کارت های رفاهی کارگران شهرداری تهران به مناسبت اعیاد ولادت حضرت علی (ع) و مبعث حضرت رسول اکرم (ص) شارژ می شود

دکتر مدیح مدیر کل رفاه شهرداری تهران اعلام کرد؛ به مناسبت های اخیر و پیش رو به ویژه به مناسبت ولادت با سعادت مولای متقیان حضرت علی (ع) و روز مرد و همچنین مبعث پیامبر اکرم (ص) مبلغ ۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال به صورت نقدی و در قالب شارژ، کارت رفاهی همکاران محترم تا پایان هفته جاری شارژ خواهد شد. ضمناً سازمان ها، شرکت ها و واحدهای تابعه شهرداری تهران اقدام مشابه به عمل خواهند آورد.

یاد تو می ماند....



قادر عظیمی سندیکالیست قدیمی و مربی کوهنوردی در حادثه ای دردناک درگذشت. او یکی از مهندسين مکانیک و برنامه ریزی بود که از اوایل پایه گذاری ذوب آهن در آنجا استخدام شد. قادر عظیمی از جمله سندیکالیست های ذوب آهن بود که در شکل گیری خدمات رفاهی برای کارگران بسیار فعال بود و به ورزش کارگران اهمیت می داد و گروه کوهنوردی ذوب آهن را به همراه دیگر کارگران بنیان گذاشت. در سالهایی که ورزش برای کارگران یک امر لوکس بود قادر عظیمی ها آن را به یک خواست کارگری تبدیل کرده و ورزش را بین کارگران ذوب آهن رواج داد. اگر سندیکالیست آقای معروفی در کوره بلند به دنبال رفاه بیشتر برای کارگران بود عظیمی نیز در بخش مکانیک این کار را دنبال می کرد. در سال های ۵۴ نشریه ای به نام فولاد در بین کارگران توزیع می شد که به مجله مهندس بخشایش معروف بود که گویای مشکلات کارگران و خواسته های آنان بود و از جمله فعالین این نشریه کارگری قادر عظیمی بود. او و دیگر کارگران مبارز از جمله اعتصاب کنندگان پرشور سال ۵۷ بودند خواست آنان رفاه هرچه بیشتر برای همه کارگران ایران، رفع بیکاری، آبادانی کشور و بهبود روند تولید بوده و به همین خاطر شورای کارگران ذوب آهن را بنیان گذاشتند. آنان حذف ساواک از کارخانه و اعتصاب را حق قانونی هر کارگری دانسته چرا که عدم امنیت شغلی کیان خانواده هر کارگری را تهدید و تاثیر مستقیم در اجتماع می دانستند. اخراج یک کارگر بیش از خود او به خانواده اش ضربه می زند و نباید وجود داشته باشد. قادر عظیمی پس از بازنشستگی نیز گروه کوهنوردی کارگران ذوب آهن را رها نکرد و تا پایان عمر سرمربی گروه کوهنوردی ذوب آهن بود. قادر عظیمی ۲۱ فروردین خانواده و دوستانش را برای همیشه ترک گفت و در قطعه نام آوران فولاد شهر آرام گرفت اما خدماتش به طبقه کارگر ذوب آهن همیشه ماندنی است.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران اردیبهشت ۹۷

«اعتراض به فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری WFTU»

دبیرکل محترم فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری WFTU

برگزاری اجلاس دوره ای هیات مدیره فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری WFTU در تهران در روزهای ۷ و ۸ اسفندماه (۲۶ و ۲۷ فوریه ۲۰۱۸) در شرایطی صورت گرفت که شرکت کنندگان ایرانی حاضر در این اجلاس نمایندگان واقعی کارگران ایران نبودند و فدراسیون با عدم دعوت از سندیکاهای مستقل کارگری در ایران یعنی سندیکای فلزکارمکانیک ایران، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران، خود را از امکان تبادل نظر با فعالین معتدبه تقویت سندیکاهای واقعی و طبقاتی در ایران محروم کرد.

دلیل ما برای اینکه خانه کارگر و تشکیلات و فعالین وابسته به آن را فاقد هویت سنیکیایی واقعی بدانیم برپایه عملکرد آن ها، اصول تشکیلاتی ساختارهای آن ها، عدم ارتباط آن ها با مبارزه طبقاتی کارگران ایران و ماهیت کارگزارانه روابط آن ها با ارگان های دولتی می باشد. همانگونه که خود مطلع هستید در اصول اساسنامه ای سندیکا ها مشخصه هایی ذکر شده است و از جمله اینکه سندیکاها نباید محدود به دین خاص، ایدئولوژی و نژاد و زبان خاصی باشند. در اجلاس تهران تشکیلات خانه کارگر و نمایندگان در حالی خود را تشکل کارگری جا زده اند که در اساسنامه اشان گرایش دینی خاصی برای عضویت منظور شده است. در واقع کارگران و کوشندگان سنیکیایی ایران خانه کارگر را یک ساختار و تشکیلات واقعی کارگری نمی شناسند.

این مهم است که شما اطلاع داشته باشید در روزهای برگزاری اجلاس هیات مدیره فدراسیون در تهران هزاران کارگر فولاد اهواز برای هفته ها در اعتصاب بودند و تقاضای دریافت بیش از ۳ ماه حقوق عقب افتاده خود را داشتند که در ادامه در روز ۱۱ اسفندماه (۲ مارس) ۹ تن از آنان دستگیر و به بازداشتگاه برده شدند.

اجلاس شما در حالی برگزار شد که رضا شهبانی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در زندان به سر می برد و بدلیل شرایط دشوار زندان سخته کرده و حتا برای درمان با مرخصی اش موافقت نشده است. اسماعیل عبدی دبیرکانون صنفی معلمان تهران ، بهشتی لنگرودی عضو هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران در زندان بسر می برند و علی اکبر باغانی عضو دیگر هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران در تبعید بود. پس از اجلاس نیز محمد حبیبی عضو دیگر هیات مدیره کانون صنفی معلمان تهران دستگیر و با ضرب و شتم در محل کار به زندان برده شده است.

در حال حاضر ابراهیم مددی و داوود رضوی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز زیر حکم های سنگین زندان بسر می برند. حمید شرقی عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران هنوز تعیین تکلیف قضایی نشده است. فعالین کارگری نیشکر هفت تپه که برای دریافت معوقات خود تلاش می کنند به دادگستری احضار شده اند.

محدودیت علیه سندیکاهای کارگری و فعالین کارگری در کشوری که اجلاس شما در آن برگزار شد توسط مقام های مسئول به خشن ترین شکل اعمال می شود. میزبانان شما کسانی بودند که به محل سندیکاهای کارگری یورش آورده و فعالین سندیکایی را مورد ضرب و شتم قرار دادند و هنوز هم از رقابت با سندیکاهای واقعی کارگری می ترسند و به همین دلیل جایی برای تشکل سندیکایی مستقل در این اجلاس ندادند و از نام و اعتبار ما در میان کارگران و مردم وحشت دارند. متأسفانه در این اجلاس از سوی شما نیز خبری از سندیکای کارگری گرفته نشد و بدون حتا دیداری کوتاه با ما از ایران رفتید.

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری مدعی است که پرچمدار مبارزه سندیکایی اصیل است. ما سؤال می کنیم:

آیا در اجلاس هیات مدیره فدراسیون در تهران اصولن مطرح شد که در کشور میزبان شما دستورات صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی برای از بین بردن قانون کار، و هرگونه تشکل کارگری، ارزان سازی دستمزدها

برای غارت هرچه بیشتر کارتل ها توسط مقام های مسئول دقیقین اجرایی می شود؟؟ آیا نمایندگان به اصطلاح کارگری حاضر در اجلاس به اطلاع بیش از ۲۴ هیئت نمایندگی حاضر رساندند که اندوخته های کارگران توسط دولت دستبرد زده می شود؟ و به همین خاطر نمایندگان کارگری حاضر در شورای عالی دستمزد مذاکرات مزدی را تحریم کردند؟

در زمان اجلاس میلیون ها کارگر ایرانی دستمزدهایشان ماهها عقب افتاده و اعتراضات در خارج از سالن های برگزاری اجلاس هر روزه ادامه داشت. صندوق های بازنشستگی کارگری به دلیل مدیران نالایق دولتی و اختلاس ورشکسته شده اند. آیا اجلاس هیئت رئیسه فدراسیون در جریان این مشکلات گذاشته شد؟

آیا در قطعنامه پایانی اجلاس هیات مدیره فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری از محدودیت ها و عدم اجرای مقوله نامه های سازمان جهانی کار در ایران ذکری به میان آمد؟ آیا در قطعنامه های اجلاس خواستار آزادی سندیکالیست های زندانی که به دلیل دفاع خود از اصول سندیکایی و حقوق کارگران زیر فشار هستند، شدید؟؟

در پایان از شما می خواهیم در رابطه با موارد ذکر شده در بالا از خود واکنش نشان دهید.

جان سندیکالیست های مبارز ایران رضا شهابی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی، علی اکبر باغانی و محمد حبیبی در خطر است! با آن ها اعلام همبستگی کنید.

ایران – مازیارگیلانی نژاد

مسئول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

اسفند ۱۳۹۶

استیضاح وزیر کار

وزیر کار از استیضاح جان سالم بدر برد و در جای خود ابقا گشت. خانه کارگر و تشکل های وابسته به آن به جشن و پایکوبی پرداختند و کارگران را به حمایت بیشتر از سیاست های او دعوت کردند. آیا برآستی باید جشن گرفت و به هم تبریک گفت؟ آیا وضعیت ما کارگران بعد از ابقا مجدد وزیر تغییرات محسوسی خواهد کرد که ما باید به هم تبریک بگوییم؟ از نظر ما کارگران سندیکایی پاسخ این سوال روشن است. با قاطعیت می گوییم: نه! در به همان پاشنه خواهد چرخید.

فقط وزیرکار نزدیک ایام عید بیکار نشد و امنیت شغلی اش برقرار! گفته می شود وزیرکار مخالف دست اندازی به جیب کارگران (صندوق تامین اجتماعی) است. آیا به واقع چنین است؟ آیا صرف امضا یک اعتراض در جلسه شورای عالی تعیین دستمزد که ضمانت اجرایی ندارد نشان مخالفت جدی وزیر است؟

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است که این حرکت وزیر نوشداروی بعد از مرگ سهراب می باشد و تنها فریب نمایندگان کارگران در شورای عالی دستمزد است. ایشان اگر در این زمینه جدی بودند می توانستند در همان زمان دادن لایحه دولت تهدید به استعفا می نمودند و این استعفا و دلیل آنرا رسانه ای می کردند و از کارگران و تشکل های مستقل یاری می خواستند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است ایشان آگاهانه و هدفمند مجری سیاستی است که سرانجام آن بدبختی هر چه بیشتر ما کارگران است. تعیین هزینه سبد معیشتی کارگران به مقدار ۲ میلیون و ۶۷۰ هزار تومان در شورای عالی دستمزد نشان دهنده همین موضوع است. (تصویب در جلسه مورخه ۲۲ بهمن) براساس واقعیت های زندگی ما کارگران حداقل این هزینه از سقف ۴ میلیون نیز می گذرد.

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران همه کارگران را به مقابله جدی به این دست اندازی به صندوق کارگران (اضافه نمودن بند ز به بودجه ۹۷ مبنی بر واریز درآمد خدمات درمانی تامین اجتماعی به صندوق دولت) و تعیین ناعادلانه هزینه سبد معیشتی فرا می خواند که دستمزدی زیر خط فقر را در نظر دارد. ما با تمام قدرت و همه امکانات خود با این سیاست ها مقابله خواهیم کرد. صدای حق طلبانه ما کارگران خاموش نخواهد شد

برقرار باد اتحاد کارگران ایران سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۴ اسفند ۱۳۹۶

فعالیت سندیکا در مورد پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران



یکی از ناجوانمردانه ترین اقدامات کارفرمایان نپرداختن حقوق کارگران در سر موعد هر ماهه است و این باعث شده که کارگران با بست قراردادهای اسارت آور کارگران را ملزم کنند که حقوقشان را با تاخیر بسیار دریافت کنند.

در این مورد نفت ستاره خلیج در بندرعباس با دادن قراردادی به کارگران آنان را مجبور به امضا کردن قراردادهایی می کنند که کارگر پذیرفته بعد از شش ماه حقوق خود را آن هم اگر کارفرمای اصلی پولی پرداخت کرده بود، حق دریافت دارد و از هرگونه اعتراض و اعتصاب به پرهیزد و اگر اعتراض و اعتصابی کرد شرکت حق دارد حقوق او را نپردازد و به جرم اغتشاش تحویل مراجع قضایی بدهد.

برای مقابله با این ظلم آشکار سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه پای پینگ و اکسپ پروژه ای با نوشتن نامه به شرکت هایی که کارگرانشان به ما تظلم خواهی نموده اند از شرکت های متخلف خواسته است تا حقوق کارگران را تا ۲۵ اسفند تسویه کامل کنند.

شرکت هایی که برایشان نامه فرستاده شده است:

- ۱- شرکت کیسون برای پرداخت حقوق کارگران پتروشیمی سیلان به پیمانکاری آقای مرادی، ۱۵۰ کارگر آبفای غرب تهران ۲- شرکت ابادراهان پارس ۳- مدیریت پتروشیمی کنگان و شرکت پتروپالایش در رابطه با پرداخت حقوق کارگران شرکت پیمان رودک ۴- نیروگاه بوستانو و شرکت مینا در رابطه با پرداخت حقوق ۲۰۰ کارگر شرکت ایستافر، ۷۰۰ کارگر شرکت فرخا ۵- پتروشیمی لردگان برای پرداخت حقوق کارگران شرکت همپا زیر نظر پیمانکار آزادی مقدم ۶- پالایشگاه نفت ستاره خلیج و شرکت نفت فلات قاره ایران

برای پرداخت حقوق کارگران شرکت انرژی گستر، شرکت شهید رجایی به پیمانکاری یوسفی، و پیمانکاری پارسین سازه، شرکت انرژی دی ۷- شرکت آذرستان در چیتگر تهران

« متن نامه »

به نام خدا

پیامبر اسلام: دستمزد کارگر قبل از خشک شدن عرقش باید پرداخت شود.

به مدیریت شرکت کیسون

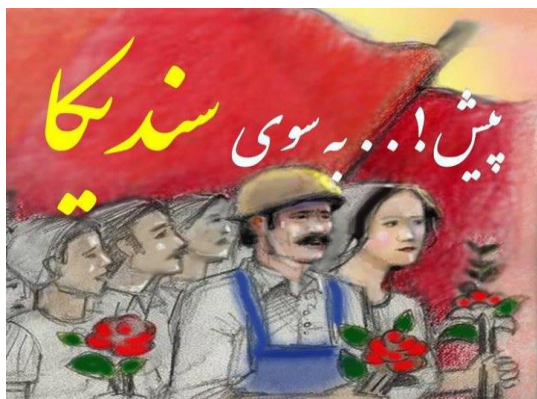
احتراما، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران و گروه کارگران پایبینگ و اکیپ پروژه ای ها به نماینده گی از سوی ۱۰۰۰ کارگر پروژه ای به شما اطلاع و اخطار می دهیم بر طبق ماده ۳ قانون کار «مدیران و مسوولان و بطور عموم کلیه کسانی که عهده دار کارگاه هستند به عنوان نماینده کارفرما محسوب می شوند و کارفرما مسوول کلیه تعهداتی است که نمایندگان مذکور در قبال کارگر به عهده می گیرند.» لذا با توجه این قانون و کلام پیامبر اسلام نسبت به عقب افتادن دیون و دستمزدهای بیش از ۵ ماه ۱۵۰ کارگران آبفای غرب تهران و پتروشیمی سبلان به پیمانکاری آقای مرادی، شرکت کیسون موظف است تا ۲۵ اسفند کلیه تعهداتش نسبت به کارگران را تسویه و به این سندیکا و گروه پایبینگ اعلام کند.

آقایان محمدرضا انصاری - امید انصاری

مسوول سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران مازیار گیلانی نژاد

مسوول گروه پایبینگ و اکیپ پروژه ای ارسلان امینی

چه زمانی روز جهانی کارگر برای کارگران ایران به رسمیت شناخته شد؟



دوران ۱۳۲۰-۱۳۲۵ ، سال‌های پیروزی‌های بزرگ برای جنبش سندیکایی کارگران ایران بود. مبارزات کارگران که زیر پرچم بزرگترین فدراسیون کارگری خاورمیانه به نام شورای متحده مرکزی زحمتکشان ایران صورت می‌گرفت باعث شد با فشار بر دولت قوام السلطنه ، منجر به تصویب لایحه‌ای در سال ۱۳۲۳ گردید که در آن ۸ ساعت کار در روز و ۴۸ ساعت کار هفتگی ، ۲۵ درصد دستمزد بیش تر برای کار اضافی ، تعطیلی اول ماه مه ، شناسایی رسمی سندیکاهای ، تشکیل کمیسیون داوری در موسسات با شرکت نمایندگان سندیکا ، ۱۴ روز مرخصی استحقاقی در طی سال با دستمزد ، ۶ هفته مرخصی برای زنان کارگر باردار ، منع استفاده از کودکان کارگر کم تر از ۱۲ سال و تامین بیمه‌های اجتماعی پیش بینی شده بود.

در سال ۱۳۲۵ ، در پرتو آگاهی و مبارزه طبقه کارگر ایران «قانون کار» به تصویب رسید که علاوه بر موارد لایحه قبلی و امتیازات دیگر ، روز اول ماه مه را به عنوان روز همبستگی بین المللی زحمتکشان و روز تعطیل همراه با دستمزد به رسمیت شناخت.

در اول ماه مه سال ۱۸۸۶ شیکاگو چه گذشت؟

در سال ۱۸۸۵ اعلامیه‌یی در صفوف کارگران امریکا دست به دست شده و از طبقه کارگر امریکا می‌خواست در اول ماه مه ۱۸۸۶ نسبت به تبعیض‌ها و مشکلات شان اعتراض کنند. در این اعلامیه آمده بود: «روزی که طبقه کارگر قوانین خویش را بر پا می‌دارد و قدرتش را به کار می‌برد که این قوانین را به اجرا درآورد. قوانینی که تاملن خلاف رضایت و موافقت ستمگران و حکمرانان... است. روزی که نیروی عظیم زحمتکشان متحد در برابر قدرتی که امروز بر سرنوشت همه خلق‌ها حکم می‌راند، صف آرایی می‌کند. روزی که لذت هشت ساعت کار، هشت ساعت استراحت و هشت ساعت برای هر کاری به اختیار خود ما احساس می‌شود.»

سال ۱۸۸۶ اعتصابات همه جا را فراگرفت. این اعتصابات از دو ماه قبل از اول ماه مه، در گوشه و کنار از سوی کارگران دیده می‌شد. درست یک شب قبل از واقعه اول ماه مه، روزنامه «کارگر» نوشت: «کارگران، شعار ما باید چنین باشد؛ سازش موقوف. ماه مه فرارسیده است. ۲۰ سال است سرمایه داران وعده هشت ساعت کار می‌دهند ولی همیشه این خواست را زیر پا می‌گذارند» اول ماه مه ۱۸۸۶، یکی از روزنامه‌های شیکاگو چنین گزارش داد: «هیچ دودی از دودکش کارخانه‌ها بیرون نمی‌آید. همه چیز، رنگ یک روز تعطیل به خود گرفته است.»

۱۱۰۰ کارگر در دیترویت به مدت هشت ساعت راهپیمایی کردند. در نیویارک ۲۵ هزار نفر از برادوی به طرف میدان اتحاد راهپیمایی کردند. در عین حال ۴۰ هزار کارگر نیویارکی در حال اعتصاب بودند. در سین سیناتی یک کارگر شروع راهپیمایی را چنین تصویر می‌کرد: «تظاهر کنندگان فقط پرچم سرخ حمل می‌کردند و تنها سرودی که می‌خواندند سرود آربایتر (کارگران) و مارسه یز بود. در لویی ویل کنتاکی بیش از شش هزار کارگر سیاه و سفید از وسط پارک ملی عبور کردند و به این ترتیب ممنوعیت ورود غیرسفیدان به پارک را عامدانه شکستند. در شیکاگو نیز نزدیک به ۳۰ هزار نفر به جاده‌هایختند. تمام قطارها از کار ایستاده و بنادر را تعطیل کرده بودند.

نقطه انفجار اول ماه مه در کارگاه مک گورمیک بود. اینجا از اواسط زمستان در اعتصاب به سر می برد. در دوم ماه مه، اسپایز، رهبر کارگران قرار بود دوباره برایشان سخنرانی کند. هنگامی که حدود شش هزار کارگر به سخنرانی او گوش می دادند، چند صد نفر به پیشواز اعتصاب شکنانی که تازه داشتند از سر کار برمی گشتند، رفتند تا تعدادی از کارگرانی که حاضر به اعتصاب نشده بودند توسط خود کارگران اعتصاب کننده دستگیر شده و مورد بازجویی قرار بگیرند.

روزنامه «کارگر» در دوم ماه مه نوشت؛ «ناگهان صدای گلوله از نزدیک کارخانه به گوش رسید. حدود ۷۵ قاتل قوی هیکل که توسط یک فرمانده چاق پلیس رهبری می شدند بدان سمت حرکت کردند. سه ارابه موتوری پر از وحشی های حامی نظم و قانون!!!! نیز آنان را همراهی می کردند.» در نبرد میان کارگرانی که سلاح آنها چوب و سنگ و کلوخ بود علیه پلیسی که با سلاح گرم مسلح شده بود، صف کارگران ناگهان به هم خورد. بمب دستی پشت سر کارگران منفجر شد. دست کم دو کارگر کشته شدند. بسیاری از جمله چند کودک مجروح شدند.

روز بعد یعنی سوم ماه مه، گسترش اعتصاب پرمعنا بود. در سطح کشور نزدیک به ۳۴۰ هزار کارگر به جنبش پیوسته بودند و ۱۹۰ هزار نفر از آنها در اعتصاب به سر می بردند. در شیکاگو ۸۰ هزار کارگر تظاهرات کردند. هنگامی که چند صد زن خیاط قصد داشتند به تظاهرات بپیوندند، روزنامه شیکاگو تریبون آنان را چنین خطاب کرد: «زنان وحشی هلهله کش».

دادگاه هفت نفر منجمله اسپایز رامحکوم به مرگ کرد و به تاریخ ۱۱ نوامبر ۱۸۸۶ که به نام جمعه سیاه نام گرفته است، اعدام شدند. اسپایز هنگام اعدام گفت: صدایی که امروز می خواهید خاموش کنید روزی طنین انداز خواهد شد. سه سال بعد در کنگره بین المللی کارگران در پاریس، روز اول ماه مه به خاطر کشتار کارگران و رهبران کارگری شیکاگو، روز جهانی کارگر نامگذاری شد.

صدای کارگران هر اول ماه مه طنین انداز می شود

با سلام و دورد به تمامی کوشندگان طبقه کارگر!



"جنبش همبستگی کارگران و زحمتکشان" که با هدف تامین زندگی و معیشت کارگران، با هشت ساعت کار (رنگ) دنیای مدرن را تغییر داد، امروزه در کشورهای اروپایی، بخصوص "کشورهای اسکاندیناوی" و بسیاری دیگر کشورهای جهان حقوق کارگران با هشت ساعت کار، برای خرید مایحتاج زندگی آبرومندانانه کفایت می کند. این امر گردش صحیح پول ملی را به وجود می آورد. کارگر کار دارد، پول دارد، خرید می کند، مایحتاج زندگی حتی تفریح و سرگرمی خانواده را تامین می کند، در نتیجه سرمایه دار و کارخانه دار هم به سود معقول خود میرسد، و قدرت تولید بیشتر و سود بیشتر را پیدا می کند. دولت هم می تواند با دریافت مالیات عادلانه از بخشهای تولید و توزیع درآمد کافی داشته و خدمات اجتماعی را به موقع ارایه دهد و دانا این خدمات را گسترش دهد و در زمینه تحقیقات و پژوهش مدرن دستاوردهای باور نکردنی داشته باشد. واقعاً این دستاوردها حتی مهاجرین روشنفکر جهان سوم را شگفت زده می کند. پس براحتی می شود مدعی شد که مبارزات سازمان یافته طبقه کارگر "جنبش اول ماه مه" برای به دست آوردن اهداف جنبش ساعت ۸ کار زمینه رشد بشریت را فراهم کرده و تکامل و رشد حتی سرمایه داری را فراهم کرده است. البته سرمایه داران خدمات انسانی تامین اجتماعی مدرن را به درستی "خدمات سوسیال" می نامند. نتیجه اینکه خواست کارگران و "جنبش اول ماه مه" راهی انسانی و بینهایت ارزشمند است، پس ما بعنوان یک وظیفه مقدس این راه را ادامه می دهیم، تا به دست آوردن طبقه سرمایه داری که وطن فروش نباشد، و حاکمیتی که اهل دنیای امروز باشد، این مبارزه تمیز و مقدس را ادامه می دهیم.

موفقیت سرنوشت حتمی طبقه کارگر است، و بشریت به جز راه ترقی و تکامل، "سوسیالیستی" راهی ندارد.....، پیروباشید

محمد فراهانی عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران خیاط تهران

❁ دروود به کارگران سرزمینم ❁



روز اول ماه می نزدیک هست و روز پرشکوه کارگر که بایستی صدای پرآوازه کارگران جهان باشد. شوربختانه نگرانی را برای فعالین کارگری در سال پیش رو پیش بینی می نماییم و فارغ از تمامی دردها و رنج هایی که طبقه فرودست جامعه را آزار می دهد به اوضاع فلاکت بار بیشتر و بیشتر شده و چهره تکیده فقر و محرومیت همچنان زحمتکشانش را آواره و سرگردان نموده است.

روز پرشکوه اول ماه می که روز همبستگی زحمتکشانش و بزرگداشت شکوه و منش کارگران می باشد همچنان به تاراج سرمایه داری رفته است و این قماش بی درد و بی مسئولیت که آرمانهای انسانی برایشان مهم نیست تنها شاهکار بی نظیرشان ترس و وحشت از همبستگی فرودستانی است که هر آن امکان دارد با خروشی ناگهانی و برق آسا پایه های ستم را بلرزاند و حقوق اساسی و فراموش شده خود را از حلقوم آنها بگیرند. دشمنان طبقه کارگر دشنه تیز خود را به عنوان تنها ابزار کارآمد در جهت اعتراضات حقوقی در غلاف پنهان نموده اند تا در زمان مناسب ضرب شستی خوب پیشکش آنان بنمایند. نابودی قانون کار و برداشتن شرایط استخدامی در راستای خصوصی سازی و دلالی و نپرداختن حقوق کارگران و تسویه و بلک لیست و زندان و شلاق از جمله آنان است.

و ارتان خرمدين

من یک کارگرم!

دست های من فقط ورق های رنج را شماره می کند، چشمان من فقط خیابان های شیک و برج های مرتفع را می بیند!

نویسنده ای در جایی نوشته بود: دست های من تاریخی را تکان می دهد، اگر با دستهای خسته ی انسان های دیگر متحد شود!

کودکان من از نوشتن آرزوهایشان در کلاس انشا خسته شده اند! وقتی کروات و لباس های اتو کشیده ی مرفهین را می بینم، به خود می گویم: پس فقر من از کجاست؟ من در کجای این اجتماع ایستاده ام؟

وقتی در گرماگرم کار عرق پیشانی ام را پاک می کنم، به خودمی گویم کاش می شد کسی می آمد، دوباره کار و سرمایه را برایم تعریف می کرد! خیلی دلم میخواست آنقدر کتاب می خواندم تا معنی ارزش افزوده را برای همه ی کارگران شرح می دادم!

من یک کارگرم!

رویاهای من زیاد پیچیده نیست، من رفاه را برای تمام آدم ها خواسته بودم، اولین باری که جلوی پیش خوان یک اداره ی دولتی حقوق عقب مانده ام را طلب کرده بودم، دستم را شکستند و من هیچ نفهمیدم که کتاب سرمایه را چرا نخوانده بودم!

ولی در جایی کسی به من گفته بود: درختان اگر کنار هم باشند هیچ توفانی آنها را نمی شکند،

من یک کارگرم.....

به آموزگاران میهنم!



به نام انسان بخشنده ی مهربان

دلم میخواست چشمانم راهدیه ی راه تو می کردم ونمی دیدم معلم دانای من،
درغم مخارج آب مروارید چشمش گریه کند! دلم می خواست تمام نمره های
خوب کودکیم رابه بانکی میدادم تا وام درخواستی تو را بی منت به حسابت
بریزد! دلم می خواست درهیچ پیاده رویی خمیده و غمگین نمی دیدمت!

آموزگار من! یادت می آید چقدر انشای پاییز را برایت خوب شرح داده بودم!
دلم می خواست درهیچ شب عیدی گونه های تو را نمناک نمی دیدم، دلم می
خواست در کتاب درسی کودکیم فقط یک صفحه هم ازبزرگواری تو معلم
عزیزم می نوشت!

وای چقدر دلم می خواست به تو می گفتم: که من دیگر در فهمیدن و نوشتن
این دنیا، دیگر غلط نمی نویسم.

ای آموزگارخوبم، تو بلندای خردی بودی که من دراندیشه هایم دریافتم، روی
کاغذی درکتابخانه ای نوشته بود: آموزگارم مراخلق کرد و من هم دنیایی را
خلق خواهم کرد،،،

آرین سندیکالیست

روز معلم بر همه آموزگاران مینهم خجسته باد!



«معلمی شغل انبیاست» این شعار دولتمردانی است که در مقام عمل، معلمان و فرهنگیان را در چند دهه گذشته تا بینهایت به حاشیه رانده اند؛ هم از «منزلت» معلمان تا جایی که در توانشان بوده کاسته اند و هم «معیشت» معلمان را بازیچه سرمایه و سودپرستی قرار داده اند.

اما امروز معلم ایرانی کجا ایستاده است؟ چقدر از نیازهای شغلی اش برآورده شده و از معلم بودن برایش چه مانده است؟

اگر به فیش حقوقی یک معلم رسمی نگاهی بیندازید و آن را در ذهنتان با حقوق ها و دریافتی های علنی و غیر علنی برخی «از ما بهتران» مقایسه کنید، ترسیم معادله ی استیصال معیشتی معلمان دشوار نخواهد بود؛ اگر این فیش های حقوقی را با هزینه های سرسام آور زندگی کنار هم بگذارید، دیگر این که یک دبیر ادبیات یا تاریخ را با پراید دست دوم سر چهار راه پایتخت در حال ترمز زدن مقابل پای مسافری ببینید، نه عجیب خواهد بود و نه خارج از عرف و عادت.

دوازده اردیبهشت روزی از تقویم شمسی، به نام معلمان است اما معلمان ایران این روزها، روزهای بسیاری را در مضیقه و تنگدستی مالی می گذرانند و البته که برخی از آنها به جرم اعتراض به همین محدودیت ها و بی عدالتی ها، همین روزها پشت میله های زندان روزگار را سپری می کنند؛ در این شرایط صحبت کردن از مطالبات صنفی معلمان کلیشه ای و تکراری است؛ صحبت کردن از حق «نان» و «معیشت»؛ از حق «ایستادن» و «مطالبه کردن»؛ صحبت از همه آنچه که باید می بود و نیست...

اما جدا از همه این کلیشه ها و تکرارها، بی برو برگرد روز معلم، روز معلمانی است که آموختن را با شیوه زندگی شان درآمیخته اند؛ روز اسماعیل عبدی که به دانش آموزانش با ایستادگی و دفاع از حق، حق طلبی و ایستادگی می آموزاند؛ روز بهشتی که با لبخندی فراموش نشدنی و با سری برافراخته در تاریخ جنبش حق طلبی ایران ثبت می شود، آن لحظه ای که وداع می کند و به پشت سر بر نمی گردد؛ آن لحظه ای که راهی «اوین» است. روز «رسول بدایق» و شش سال و نیم میله های ممتد و کش دار زندان و دفتر شعرهای سرخ؛ روز گنگو زهی معلم بلوچ که وجودش ایثار و فداکاری بود؛ معلمی که «نان» و «سرمایه» نداشت اما آزادی تا دلتان بخواهد در بساطش بود؛ معلمی که جان را جان پناه دانش آموزانش کرد و رفت و به حق تا قیامت نام معلم شهید را زیور خاطره خویش ساخته است....

روز معلم بر همه آنها که می آموزند و می آموزانند مبارک

رضا مسلمی، معلم



سندیکالیسم؛ ضرورت و اولویت تاریخی

با توجه به ضرورت دائم تغییر در وضعیت موجود در تاریخ و مصائب و ناکامی های مستمر بشر در جوامع امروزی، همواره رویکرد طبقات متوسط و پایین اجتماع در مواجهه با نیازهایشان، نگاهی انتقادی بوده است برای تغییر وضعیت موجود به سوی عدالت و آزادی.

در شرایط کنونی در مرحله ی تاریخی ای که با آن روبرو هستیم، تنوع نیازهای مردم، گاه به گاه بارقه هایی از نیاز به تغییر در نظامات اجتماعی را به اشکال گوناگون فرامی نماید؛ نگارنده بر این باور است که واری نیازهای طبقات متنوع اجتماع، ما را به این امر واخواهد داشت تا در میان حق خواهی ها، مطالبه گری ها و تمرکزهای پراکنده ی اقشار اجتماع بر مطالبات خود، حتما ضرورت و اولویت امور را مورد واکاوی قرار دهیم و در میان این نیازها، موارد اولویت دار را در فهرست نخست مطالبات پیجویی نمائیم.

آن چه که مکانیزم مادی تاریخ به ما آموخته است، همانا مراجعه به " نیازهای اولیه ی مادی" - طبقات متوسط و فرودست می باشد؛ می توان چنین گفت که موتور محرک تحولات اجتماعی، همین نیازهای اولیه ی مادی است؛ به بیان دیگر، ضرورت تغییر را همین عامل برمی سازد؛ از سویی دیگر، پیجویی مطالبات اخیر مادامی ثمربخش خواهند بود که از سوی افرادی با نیازهای مشترک و طبعاً شرایط طبقاتی مشترک برانگیخته گردند و به اصطلاح، طبقه ای اجتماعی را در برگیرند (اشاره به مقوله ی " کلیت ").

چنین می شود که قشری، با شرایط اجتماعی مشابه و نیازهای مشترک مادی و اولیه، خواهند توانست تحولاتی را در واقعیت موجود تاریخی ایجاد نمایند.

به محتوای اخیر می افزاییم که عنصر آگاهی در چنین ساختاری شکل خواهند پذیرفت و همین جاست که اولویت وجود سازمان و تشکیلات نیز مضاف به شرایط اولیه می گردد؛ بدین نحو که تشکیلات و سازمان خواهد توانست روند تبدیل خود آگاهی به دیگر آگاهی را نظم بخشیده و چه بسا ایجاد نماید.

آن چه در این یادداشت ملاحظه نمودید، تشریحی از ویژگی های سندیکا و مسیری منطبق به ضروریات تاریخ برای تغییر وضعیت موجود بود.

فردا متعلق به ماست.

بیر مای بایرامیز مبارک اولسون (اول ماه مه مبارک باشد)



بختور ائللرین بختیار گونو
 بیر مای بایرامی اقتدار گونو
 گلدی مای بایرامی اختیار گونو
 اختیار بایرامیز مبارک اولسون

معلم مهندس میداننا دولسون
 کتدی. کارگرلر هاممی بیر اولسون
 بیر بوساط قورولسون بیر طوی قورولسون
 های. هاوار بایرامیز مبارک اولسون
 اختیار بایرامیز مبارک اولسون

ناکاملار . کام آلسین ده لی دونیادان
 آرزولار قالماسین دالی دونیادان
 اؤزولسون ظالمین الی دونیادان
 کامکار بایرامیز مبارک اولسون
 اختیار بایرامیز مبارک اولسون

کارگر دونیانی سربه سر ایستر
 هامینی عالمده بختور ایستر
 محو اولسون قان توکن جلاذ ستمگر
 بختیار بایرامیز مبارک اولسون
 اختیار بایرامیز مبارک اولسون

بو غولسون دونیادا توپلارین سسی
 کسلیسین دونیادا آنا ناله سی
 ظالمین اؤزونه دئیسین گوئنه سی
 آرزولار بایرامیز مبارک اولسون
 اختیار بایرامیز مبارک اولسون

عالمین نعمتی الیمیزده دیر
 داغلارین قدرتی قولوموزدا دیر
 سعادت قاطاری یولوموزدا دیر
 ای قاطار بایرامیز مبارک اولسون
 اختیار بایرامیز مبارک اولسون

سحردن . آخشاما زحمت چکن سن
 بیر تیکه چوریه قان تر توکن سن
 ظولمو ریشه سیندن قازیب سوکن سن
 آرزولار بایرامیز مبارک اولسون
 اختیار بایرامیز مبارک اولسون

سندیکا . وارلیغیم سنه باغلی دیر
 تشکیلات اولماسا سینم داغلی دیر
 آیاغیم باغلی دیر الیم باغلی دیر
 قیر قوتار بایرامیز مبارک اولسون
 اختیار بایرامیز مبارک اولسون

شاعیر: ذوالفقار کمالی

« دعوت نامه »

همه دعوتید

با همسر و فرزندان

با قوم و خویش و همسایه ها

کوچک و بزرگ

پیر و جوان

زن و مرد

با معلم های بچه های تان

با رانندگان سرویس مدارس بیایید

بابای مدرسه ها هم بیایند

با آن که جایی مان درد نمی کند

اما به پرستارانی که می شناسید

بگویید بیایند

رانندگان اتوبوس های شهری

و برون شهری

و لکوموتیورانان قطارهای شهری

و برون شهری

کارگران ماشین سازی

و کارگرانی که لباس های شان

بوی نفت می دهد

معدنچپانی که هنوز نفس می کشند

از یورت و آق دره و هر جا که هست

کارگران مس

سبزی فروش سر خیابان

رفتگران محله

و آنان که خشت می زنند

و نان شان آجر است

و لشکر عظیم بیکاران

کولبران

دستفروشان

همه و همه دعوتید

جشنی بپا کرده ایم

در فضای باز

باید خیابان موج بردارد

چونان که اقیانوس . . .

چه غم انگیز خواهد بود

باور مفرط استبداد

در بدعتی جدید

و ساعتیایی

از کف رفته

و زخمی، به اندازه تمام جهالت و جمودیت

و فریادهایی

بریده بریده بر پهنه ی سکوتی مرگزا

در شبی نا آرام

و در روزی غبار آلود .

نگار

"کارگران"

از خود سوال می کنم

آیا آنان که در کارخانه ی اسلحه سازی کار می کنند،

کارگران مرگند؟

پیام سندیکا نشریه سندیکا‌های کارگری ایران

آنان که فروشگاه لوازم آرایشی دارند،

کارگران زیبایی؟

و من که شاعرم،

من که سطر به سطر در هر شعر،

خودم را تنهاتر می‌کنم

کارگرِ تنهایی ام؟

آیا آنان،

که خانه نشین زندان اند

کارگران آزادی بوده اند

و کارگردان

با زندگی کارگرها بازی می‌کند!؟

چیزی برای توضیح نیست

ما گرسنه ایم

و به هر قیمتی

و در هر کجا

کارگران مشغول کارند.

(محسن_بیدواری)

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی



موشتابا عمی

در گذشته که فقر بیداد میکرد امورات شهر بدست چند نفر بود یا اربابها بودند یا سرمایه داران. اکثر مردم هم برای اینها کار میکردند که قره میگفتند (قره فحله). موشتابا عمی اهل و عیالش زیاد بود. زمستان بود. اون زمان هم زمستانها خیلی سخت می شد. اول آذر که قوس میگفتند برف می آمد می گفتند: «هاوا باغلادی» تا عید بیشتر راهها بسته میشد. صبح یکبار برف بامها را می ریختیم، می رفتیم مدرسه ظهر که میامدیم دوباره پر می شد. آنقدر برف می آمد، جمع می کردیم وسط حیاط. از بام پرت می شدیم توی برفها. درست یادمه تعطیلات عید برف خانه ها را می بردیم بیرون. اکثر مردمان قدیم از زمستان خاطره بدی دارند می گفتند (آجیلی قیش). اگر الان اون برفها بیارد نصف ملت کشته می شوند. با این همه امکانات ده سانت برف میاید همه جا تعطیله

مشتابا عمی می رود مغازه یک حاجی و می گوید مقداری قند و چایی و وسایل بده، بعد از عید ۱۰ روز در باغت کار میکنم. یعنی سلم جانم را می فروشم . او گفته بود برو نمی شه نمی دم . مشتابا عمی چاره ای نداشت چکار می تونست بکند (گوسفندان می دانند چوپان اینها را دوست دارد مواظبشان هست نمی گذارد گرگ بخورد اما نمی دانند چوپان با قصاب دوست است) مشتابا به کی شکایت کند، اداره مال طرف اونها را می گیرد.

ایشان چاغیرچی بود، یعنی مردم را به مناسبات خیر و شر و احسان دعوت می کرد .این نامردی را نمی توانست همین جوری ول کند . ۲۱م ماه رمضان ۱۰۰ نفر را بدون اطلاع حاجی برای افطار دعوت میکند به خانه حاجی.

اول اذان حاجی از همه جا بیخبر می بیند یکی بعد از دیگری یاالله یاالله وارد شدند .اون زمان هم غذا خوری و تالار و این جور جاها نبود .حاجی دست و پایش را گم می کند که خدایا چکار کنم ؟ این چه کاریه؟؟ از یکی می پرسد: « شما را کی دعوت کرده ؟ » همه می گویند: « مشتابا . چطور مگه؟؟»

خلاصه بعضی ها برمیگردند بعضی ها می نشینند با ماست و پنیر روزه هایشان را می شکنند .این هم شکایت مشتابا.او از مهمانهایش یک شب شرمنده شد اما نه مشتابا صدها مشتابا از خانواده یشان همیشه حاجی را شرمنده کردند.

کاظم عاشقی

◆ سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می کوشند.

◆ سندیکاهای کارگری برای تصویب قانونی که کارفرمایان را به دلیل عقب انداختن حقوق چندماهه کارگران، مجازات و جریمه کند، می کوشند.

◆ سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان ، ورزش رایگان و همگانی،طبق قانون اساسی می کوشند.

روز کارگر

لباسهایش را کامل پوشیده بود و همین‌طور که صبحانه می‌خورد تیترهای روزنامه‌ی امروز - یازدهم اردیبهشت - را نگاه می‌انداخت...

« بر اثر انفجار یک بمب در ... ۳۰۰ نفر کشته و زخمی شدند» کمی نگران به نظر می‌رسید، ماشین‌اش تعمیرگاه بود و از صبح زود هم به شدت باران می‌بارید...

«برخورد شدید پلیس با کارگران اعتصابی...» آرنج‌اش به لبه‌ی میز برخورد کرد و استکان چایی روی پیراهن‌اش ریخت...

« تورم ۳۵ درصدی در راه است» کم کم داشت دیرش می‌شد...

«سارقین مسلح پس از سرقت ... از محل گریختند» سراغ کمد لباس‌هایش رفت تا پیراهن مناسب پیدا کند...

«تهدید ... به استفاده از بمب اتم در مقابل ...» هیچ کدام از پیراهن‌هایش اطو کشیده ، نبود...

«پسری پدرش را در وان حمام خفه کرد» با عجله به اطو کردن یکی از پیراهن‌ها مشغول شد...

«شایعه‌ی بمب‌گذاری در ورزشگاه ... باعث لغو بازی دو تیم ... و ... شد»

حسابی دست پاچه بود....

«کارگران کارخانه‌ی..... شش ماه است که حقوق نگرفته اند» تلفن زنگ زد. وقتی به سمت تلفن می‌رفت، جیب شلوارش به میز اطو گیر کرد و کنار جیب اش شکافته شد.

« مردمی که در راه پله‌های دادگستری‌ها سرگردانند» از پاسخ دادن به تلفن منصرف شد....

«رضایت دولت از روند خصوصی سازی در بخش حامل‌های انرژی» حالا باید فکری هم برای شلوارِ شکافته شده می‌کرد...

« دو شرور در ... به دار مجازات آویخته شدند» از آن جا که شلوار مناسب دیگری نداشت به دوخت و دوز شلوارش مشغول شد...

« محکومیت مجدد ... به خاطر نقض حقوق بشر» موبایل‌اش زنگ می‌زند، به او خبر می‌دهند که کارگرهای کارخانه اعتصاب کرده اند و اوضاع خیلی خراب است...

پیراهن اش را با همان لکه‌ی بزرگ چای ، و شلوار را اطو نکرده پوشید و کیف اش را زیر بغل زد و با عجله رفت..

مسعود حسینی

واگویه های وارتان

کارفرما تیز کرده بود گوشه‌هایش

تا خوب بشنود صدای کارگر را....

البته نه صدای دادخواهی نافرجامش را...

بلکه از شکر گویبهایش لذت می برد....

کارفرما بر خر مراد سوار گشته است...

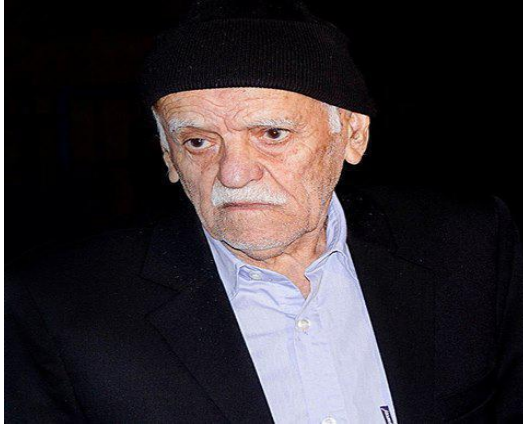
و شاد و شنگول نقشه های خویش کشیده است....

تا ماهیان غافل از شکار کوسه های سهمگین....

با رغبتی تمام به شکارگاه دهانش سرازیر شوند...

وارتان خرم‌دین

پیکرها بر خاک ، آرمان ها بر پاست کوشندگان تا به آخر استوار



علی زردوست، نماینده دهقانان مازندران در اتحادیه سراسری کشاورزان
ایران در پیش از کودتای امریکا - انگلیسی ۱۳۳۲



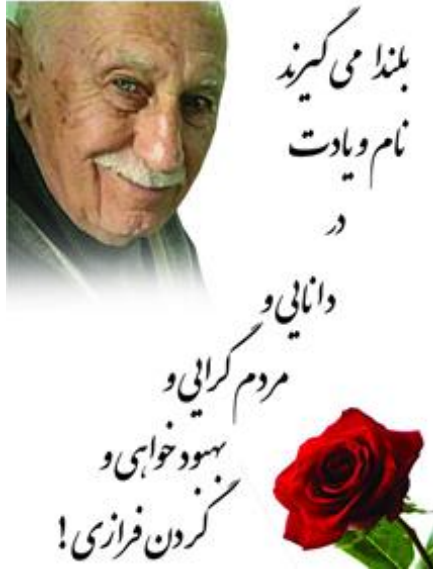
قادر عظیمی کارگر نوب آهن و آرمانگرای بی بدیل کارگری



محمد جراحی، عضو سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران فرزندی از تبار زحمت، کوشنده و فدایی راه زحمتکشان



شاهرخ زمانی، عضو سندیکای کارگران نقاش و تزیینت تهران
او به جان خدمتگذار باغ آتش بود



جواد اخوان از فعالین دهقانی نشت نشا



نعمت ناظری، مترجم و ویراستار و روزنامه‌نگار پیش‌کسوت و سندیکالیست
برجسته،



دوم اردیبهشت سال روز تولد هدایت معلم خجسته باد. او از پیشگامان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک بود که در تابستان ۶۷ سرنوشتی چون جو هیل کارگر مبارز امریکایی داشت.

جرمش این بود که آرزوهای بزرگ داشت.

یادش و آرمانش چراغ راهنمای همه کارگران فلزکارمکانیک ایران است.

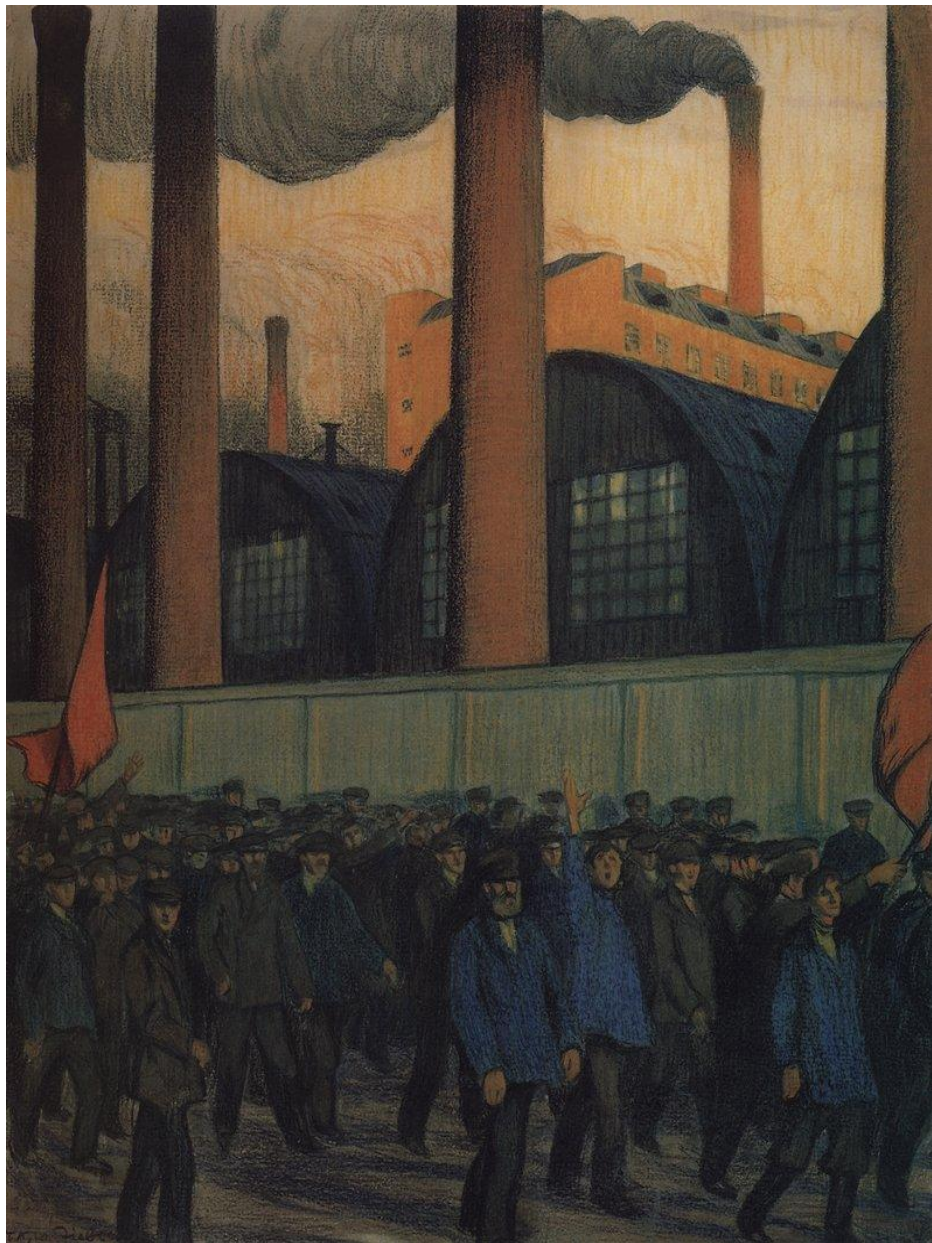


مراببوس

تا

دیوارها ویران و

مرزها نیست شوند....



تابلو: strike-۱۹۰۶ اثر: boris-kustodiev